

۱۸) افضل الدین محمد بن حسن بن حسین بن محمد بن خوزة مرّقی کاشانی معروف بیابا افضل از بزرگان علما و عرفای قرن هفتم ایران بود و در زمان خویش شهرت بسیار داشته و دانشمندان عصر همه وی را تکریم می کردند و همواره در مولد خود ساکن بود و زمان را بدرس و بحث و تألیف می گذراند. رحلت او را باختلاف در ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ نوشته اند و لی ۶۰۴ درست تر می نماید و وی مؤلف یک عده بسیار رسائل فارسیست، در تصوف و سلوک و حکمت، که در منتهای فصاحت و شیوایی نوشته و در زبان فارسی منشی بسیار زبردستی بوده است و در شعر فارسی و نشر عربی نیز توانا بوده و در حکمت و منطق و کلام و تصوف و اخلاق معروف ترین کس در زمان خود بوده است، رسائل عمده وی بدینقرار است، المفید للمستفید، ساز و پیرایه شاهان پرمایه، منهاج المبین در منطق، مدارج الکمال، عرض نامه، جاوردان نامه، راه انجام نامه، مبادی موجودات، رساله نفس ارسطو، رساله تفاحه ارسطو و رساله زجر النفس یا نبیوع الحیوة ادریس که هر سه را ترجمه کرده است، رساله سوال و جواب، رساله چهار عنوان، شرح فصوص الحکم، آیات الصنعه بعربی، مجموعه رباعیات و یک عده مکاتیب و تقریرات.

۱۹) نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان بن محمد بن احمد بن حسین بن همه راوندی خاندان وی از خانواد های علمای عراق بودند و وی در راوند کاشان ولادت یافت و پس از قحطی سال ۵۷۰ که در اصفهان روی داد بعزم تحصیل سفرهای چند در اصفهان و همدان و شهرهای عراق کرد و از سال ۵۷۷ در دربار طغرل بن ارسلان سلجوقی راه یافت و سپس بخدمت سلیمان شاه بن قلج ارسلان سلجوقی مخصوص شد و بتعلیم پسران وی مأمور گشت و بیشتر ازین ایام را در همدان گذرانیده و پس از انقراض سلجوقیان ایران بروم رفت و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کینخسرو بن قلج ارسلان پذیرفته شد. وی مؤلف کتاب معروفیست در تاریخ سلجوقیان با اسم راحة الصدور و آية السرور که در سال ۵۹۹ تألیف کرده و یکی از بهترین کتب نشر فارسیست و در نهایت فصاحت و روانی نوشته است و در ضمن شعر فارسی را نیکو می گفته است.

(۲۰) خواجه فقیه زاهد شیخ الاسلام ابو نصر طاهر بن محمد خانقاهی مغربی سرخسی از مشایخ متصوفه اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران و از واعظ و ائمه زمان خود بوده و از احوال وی جزئیاتی بدست نیست. وی مؤلف کتابیست بنشر فارسی بسیار فصیح با اسم «گزیده» در تصوف که در منتهی درجه سلاست نوشته و این کتاب بزبان ترکی هم ترجمه شده است. دیگر از مؤلفات اوست کتاب خلاصه السلوک و کتاب هادی و کتاب تحفه.

(۲۱) عمادالدین زکریا بن محمود مکه‌فونی قزوینی، از مردم قزوین بود. نسبش بامام انس بن مالک می‌رسید و در جوانی بدمشق رفت و پس از تحصیل بعراق آمد و در ۶۵۰ قاضی حله شد و در ۶۵۲ قاضی واسط شد و تا آخر عمر درین مقام بود. و چندی هم در بغداد می‌زیست و در آنجا در ۶۸۲ رحلت کرد. وی از ادبای عالی مقام زمان خود بود و در شعر عربی و فارسی دست داشت و مؤلفات معروف گذاشته است از آن جمله تاریخ قاهره و کتاب آثار البلاد و اخبار العباد در جغرافیا و عجایب - المخلوقات و غرائب الموجودات که ظاهراً این هر دو کتاب را خود بفارسی ترجمه کرده و ترجمه فارسی آن در نهایت فصاحت و روانیست.

(۲۲) جمال‌الدین ابوالفضل محمد بن عمر الخالد قرشی، از دانشمندان ایرانی مقیم کاشغر و بسدرش حافظ بلاساعون در ماوراء سیحون بود و مؤلف ترجمه فارسی صحاح اللغة جوهریست که آنرا با اسم الصراح من الصحاح در شب سه شنبه ۱۶ صفر ۶۸۱ تمام کرده و بعد ذیلی عربی بر آن کتاب نوشته است با اسم ملحقات صراح که مطالب تاریخی مهم در آن بسیارست.

(۲۳) صفی‌الدین عبدالقوام ارموی، از فضلاء ارمیه و از خوشنویسان و علمای معروف موسیقی در زمان خود بود، در ۶۳۱ ولادت یافت و در جوانی بیغداد رفته و در مدرسه مستنصریه تحصیل کرده و در ادبیات و تاریخ و موسیقی و خط معروف شده و عود را در کمال خوبی می‌زده است و در دبستگاه مستعصم خلیفه منزلی یافت و کاتب و مغنی و ندیم او شد و پس از فتح بغداد در ۶۵۷ بخدمت خاندان جوینی اختصاص یافت و از جانب

ایشان کاتب انشاء دیوان بغداد شد ولی پس از برچیده شدن این خاندان چنان تپه دست شد که در برابر میصد دینار قرض محبوس شد و در آن حبس در ۱۸ صفر ۶۹۳ در گذشت و هشتاد سال عمر کرده بود. وی را مؤلفات چندیست از آن جمله رساله شرفیه در موسیقی که بنام شرف الدین هارون پسر صاحب دیوان جوینی پرداخته و بفارسی و عربی نوشته و بهترین رساله موسیقی قدیم ایرانست و دیگر کتاب ادوار که عبدالقادر مراغی در پایان قرن هشتم شرحی بر آن نوشته و شکر الله احمد اوغلی بترکی ترجمه کرده و نیز صفی الدین دوساز تازه اختراع کرده است یکی بنام «مغنی» و دیگری بنام «نزه».

( ۲۴ ) قطب الدین محمود بن ضیاء الدین مسعود بن مصباح گازرونی شیرازی ، معروف بعلاءه در ماه صفر ۶۳۴ در شیراز متولد شد و عم و پدرش طبیب بودند و وی نزد ایشان طب را آموخت و در نجوم نیز دست یافت و از جمله کسانی بود که در رصدخانه مراغه باخواججه نصیر الدین دستیاری می کردند و سپس بروم رفت و مدتی قاضی سیواس و ملطیه بود و از آنجا بشام رفت و در قونیه با صدر الدین قونیوی و جلال الدین بلخی معشور شد و در سلك تصوف در آمد و سپس بتبریز آمد و از خاصان پادشاهان مغول شد و در آنجا بسال ۷۱۰ در گذشت و در محله چرنداب مدفون شد . وی از علمای بزرگ قرن هفتم بود و در طب و ریاضیات و نجوم و حکمت و کلام و موسیقی و هنرهای دیگر کامل بود و در ظرافت طبع معروفست ، او را خال سعدی شاعر معروف ایران دانسته اند اما گویا این نسبت درست نباشد . در نشر و نظم پارسی و عربی مهارت بسیار داشته و کتب بسیار او در زبان عرب معروفست از کتابهای او بزبان تازی نهایتاً الادراک فی درایة الافلاک ، التحفة الشاهیه ، شرح حکمة الاشراف ، مفتاح المفتاح ، التحفة السعدیه ، شرح مختصر الاصول ابن حاجب ، فتح المنان فی تفسیر القرآن ، حاشیه بر الکشاف عن حقایق التنزیل زمخشری ، رساله فی بیان الحاجة الی الطب و آداب الاطبا و وصایاهم ، حاشیه بر حکمة العین نجم الدین دبیران و از جمله کتابهای معروف او بفارسی درة التاج لغرة الدباج است که کتابیست در تمام علوم و معروف

بانیان ملاقطب که برای اسحق وند امیره دباح از امرای مغرب گیلان که در فومن حکمرانی داشته است نوشته و دیگر از مولفات فارسی او تحفة شاهی و نهاية الادراك است که هر دو در علم هیئت باشد و نیز کتاب زیج سلطانی را بوی نسبت داده اند .

(۲۵) رکن الدین ابوالمکارم علاءالدوله احمد بن شرف الدین محمد بن

احمد بن محمد بیابانکی سمنانی ، از عرفای نامی ایران بود در ۶۵۹ متولد شد و در جوانی جزو عمال دیوان بود و پس از آن حج رفت و در ۶۸۷ در سلك عرفا درآمد و از ۷۲۰ بعد در خانقاهی که خود بنام صوفی آباد نزدیک سمنان ساخته بود منزوی شد و در شب جمعه ماه رجب ۷۳۶ در گذشت . علاءالدوله سمنانی مولف يك سلسله رسالات بسیار فصیح شیرین در تصوف بزبان فارسیست و در نظام فارسی نیز دست داشته ، از جمله رسایل اوست : رسالة التصوف فی آداب الخلوة ، سرالبال فی اطوار سلوک اهل الحال (تألیف در ۷۰۱) ، سلوة العاشقین و سکنة المشتاقین ، ذکر خفی المستجلب لاجر الوفی ، کتاب الفلاح ، مصابیح الجنان ، مکاشفات ، عروة لاهل خلوة و جلوه (تألیف در صوفی آباد در محرم ۷۲۱) ، مقالات ، موارد الشوارد ، فصول الاصول یا فصول فی الاصول معروف بلا بدمنه ، فواید العقاید (تألیف در رجب ۶۹۹) ، مدارج المعارج فی الوارد الطارد بشبهه المارد معروف بالمدارج و المعارج ، نجم القران فی تاویلات القرآن ، عروة الوثقی ، الفتح المبین لاهل الیقین ، فرحة العالمین و فرجة الکاملین ، رسالة فی الفتوه . امیر اقبال سیستانی از اصحاب وی رساله ای در احوال و مناقب او نوشته است .

(۲۶) ملك الشعراء شمس الدین بن فخر الدین فخری اصفهانی معروف بشمس فخری از شعرا و ادبای معروف قرن هفتم بود و در جوانی از ۷۱۳ بعد در دربار اتابک نصره الدین احمد اتابک لرستان می زیست سپس بخدمت خواجه غیاث الدین محمد پسر رشید الدین فضل الله رسید و از آن پس بخدمت شیخ ابواسحق اینجو درآمد و پدرش فخر الدین نیز از شعرای معروف عصر خود بوده است . شمس - الدین فخری مؤلف چند کتابست از آن جمله معیار نصرتی در فن عروض و قوافی که

در ۷۱۳ در ارستان تمام کرده و دیگر قصیده‌ی مصنوع معروفی باسم مخزن البحور و مجمع الصنایع که در ۷۳۲ در رقم در مدح خواجه غیاث‌الدین سروده و دیگر معیار جمالی و مفتاح ابواسحق شامل عروض و قافیه و بدیع و لغت که در ۷۴۵ باسم ابواسحق اینجو در فارس تمام کرده است و وی در عروض و قوافی و لغت و محسنات کلام در عصر خویش معروف بوده است.

(۲۷) ناصرالدین عمده الملك منتجب السدین یزدی منشی رئیس دیوان رسایل و انشای صفوة الدین پادشاه خاتون (۶۰۱-۶۹۴) از سلسله قراختایی کرمان بود و پدرش در ۶۵۰ از یزد بکرمان رفت و بدربار این سلسله راه یافت و وی اندکی بعد بکرمان رفت و در جزو عمال آن دربار شد و در جوانی در ۶۹۳ رئیس دیوان انشای رسالت شد و در کرمان اقامت داشت، وی مؤلف کتاب معروفیست در تاریخ قراختاییان کرمان باسم سمط‌العلی للحضرة العلیا که بتقلید عقدالعلی نوشته و کتاب منشیانه قصیده‌یست که در ۷۱۶ تمام کرده است و نیز کتاب تتمه صوان الحکمة ابوالحسن بیهقی را بنام درة الاخبار ولمعة الانوار ترجمه و تکمیل کرده است و کتابی در احوال و ذرا بنام نسائم الاسحار دارد.

(۲۸) شهاب‌الدین ابوسعید کرمانی، از مورخین و نویسندگان قرن هفتم کرمانست از احوال وی اطلاعی نیست و تنها اثری که از او مانده کتابیست باسم تاریخ شاهی در تاریخ قراختاییان کرمان.

(۲۹) امیر ناصرالدین حسین بن مجدالدین محمد آرجهان جعفری رعدی معروف بابن بی بی پدرش از سادات کور سرخ گرگان و مادرش بی بی منجمه دختر کمال‌الدین سمنانی رئیس شافعیه نیشابور بود و بهمین جهت بابن بی بی معروف شد و از جانب مادر از نژاد محمد بن یحیی عالم مشهور خراسان بود که در فتنه غز در قرن ششم در خراسان کشته شد و مادرش در ستاره شناسی معروف بود بهمین جهت در دستگاه جلال‌الدین خوارزمشاه قریب داشت و در سفرها با وی همراه بود و پس از کشته شدن این پادشاه این خانواده بدمشق رفت و علاء‌الدین کیقباد پادشاه سلجوقی روم ایشان را بقونیه نزد خود خواند، شوهرش کاتب حضورشاه و انشاء دیوان شد و پسر نیز در همان دربار مقام مهمی یافت و در آن دربار مقیم بود. ابن بی بی مؤلف کتابیست باسم الاوامر العلانیة

فی امور العلامیة که از ۶۸۱ تا ۶۸۴ بتألیف آن پرداخته و انشای بسیار فصیح منشیانه دارد و خلاصه‌ای از آن در دستت بنام سلجوقنامه که معلوم نیست از کیست.

(۳۰) صدرالدین محمد بن اسحق قونیوی ، از عرفای بزرگ قرن هفتم ایران بود که در شمس قونیه زندگی میکرد و جمع کثیری از معارف عرفای ایران در سلك شاگردان و مریدان وی بوده‌اند و در ۶۷۳ در گذشته است و مؤلف کتابهای معروفی است در تصوف بزبان عربی و فارسی از آن جمله اعجازالبیان فی تفسیرام القرآن یا فی کشف بعض اسرار القرآن، تاذیل السورة المبارکة الفاتحة، شرح الاحادیث الاربعینیه، شرح اسماء الله الحسنی ، الرسالة الهادیة ، النصوص فی تحقیق الطور المخصوص یا النصوص فی بحر التحقیق وجواهر الفصوص ، مراتب التقوی ، النفحات الالهیة القدسیة ، شعب الامام ، مفتاح الغیب، الرسالة المفصحة عن منتهی الافکار و سبب اختلاف الامم، الرسالة المرشدیة فی احکام صفات الالهیة ، لطایف الاعلام فی اشارات اهل الالهام ، نفثة المصدور و تحفة المشکور، النفحات الربانیة یا النفحات الرحمانیة و ثمرات التجلیات الاختصاصیة، دعاء التوحید، شرح حدیث، جامع الاصول در حدیث، کشف اسرار جواهر الحکم المستخرجة المورثة من جوامع الکلم در شرح حدیث الاربعین ، کشف السر وفکوک فی مستندات حکم النصوص و از جمله کتب فارسی از تبصرة المبتدی و تذكرة المنتهی است .

(۳۱) اسمعیل بن محمد تبریزی ، از حکمای قرن هفتم ایران بود و در دربار اتابیک یوسف شاه بن البارسلان ارغون از اتابیکان لرستان می‌زیست و از عمال این دربار و همواره با وی همراه بود و در زبان فارسی کتبی چند در حکمت پرداخته است از آن جمله حیوة النفس و رساله نصیریة .

(۳۲) قاضی سراج الدین ابوالثنا یا محمود بن ابی بکر ارموی ، از علمای معروف آذربایجان بود که در ۵۹۴ ولادت یافت و با سیای صغیر رفت و در قونیه مقیم شد و در دربار عزالدین کیکاوس بن کیخسرو بن کبچباد از سلجوقیان روم می‌زیست و در آن دیار در ۶۸۲ در گذشت و مؤلفات چند از او مانده است از آن جمله

مطالع الانوار در منطق و لطایف الحکمه در حکمت بفارسی که در ۶۵۵ تألیف کرده است .

(۳۳) ابو القاسم عبدالله بن علی بن محمد گاشانی ، از مورخان معروف قرن هفتم بود و از جمله کسانی بود که در تدوین جامع التواریخ با خواجه رشیدالدین فضل الله مساعدت میکرد و سپس خود کتاب مستقلی در تاریخ نوشت با اسم زبدة التواریخ که نخست کتاب کوچک تری شامل تاریخ سال بسال از پیشدادیان تا انقراض خلافت بنی العباس نوشته و سپس کتاب مفصلی در سال ۷۰۰ تمام کرده و وقایع تاریخ عالم را تا عصر خود رسانیده و یکی از مجلدات آنرا تاریخ الجایتو سلطان محمد خربنده نامیده است .

(۳۴) ابو نصر محمد قطان غزنوی ، یکی از نویسندگان و علمای زبردست اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده ولی از احوال وی اطلاعی نیست و تنها کتابی ازو بدستست در احوال پیمبران بشر فارسی بسیار روان و فصیح با اسم سراج-القلوب که در منتهای استادی نوشته است .

(۳۵) محمد بن علی بن حمید بن ابی بکر کوفی ، از نویسندگان بزرگ هفتم هندوستان بود و کتاب منهاج المسالك تألیف محمد بن قاسم ثقفی را که بزبان عرب نوشته شده و شامل تاریخ چین بن سیلابج و فتح سند بدست اعرابست با اسم چین نامه یا تاریخ هند و یا فتح نامه در زمان معزالدین محمد بن سام و ناصرالدین قباچه فرمان عین الملک فخرالدین حسین بن ابی بکر اشعری وزیر بفارسی بسیار شیوا ترجمه کرده است .

(۳۶) بدرالدین نخشی رومی ، از دبیران دربار سلجوقیان روم در قونیه بوده و مولف کتاب بسیار خوبیست در صنعت انشا با اسم الترمسل الی التوسل که در اول ذی حجه ۶۸۴ تدوین کرده است .

(۳۷) نصیر الدین محمد بن ابراهیم بن عبدالله سجستانی ساعتی هیکلی سیواسی ، معروف بر مال و معزم از علمای ایران بود که در روم اقامت داشت و در

هندسه و علوم غریبه و ریاضیات بسیار ماهر بود و چند تألیف درین باب پرداخته است: یکی کتاب دقایق الحقایق در علوم خفیه که در آق سرا در سال ۶۷۰ تمام کرده و دیگر هونس العوارف منظومه در معراج و معجزات و غرایب که در قیصریه بسال ۶۷۱ با اسم غیاث الدین کیخسرو دوم (۶۶۶-۶۸۲) از سلجوقیان روم با تمام رسانیده و در نظم و نثر فارسی مهارت کامل داشته است.

(۳۸) **حسن نظامی نیشابوری**، از منشیان زبردست خراسان بود، در اوایل عمر بغزنین و سپس به هندوستان رفت و در دهلی در دربار پادشاهان هند مقیم شد و بخدمت قطب الدین ایبک و شمس الدین ایلتتمش رسید و کتاب تاج المآثر را که در تاریخ این پادشاهان و از ۵۸۷ تا ۶۱۴ است در سال ۶۰۲ شروع کرد. این کتاب نیز از جمله کتابهاییست که در وفور کلمات عربی معروفست.

(۳۹) **محمد بن امین الدین ابوالمکارم ایوب بن ابراهیم دنیسری**، نیز از منشیان و علمای مقیم روم بوده و مواف کتابیست با اسم نوادر التبادر در تمام علوم که در ۶۶۹ تمام کرده است.

(۴۰) **شرف الدین محمد بن مسعود بن محمد مسعودی**، مولف کتاب الکفایة فی علم الیهیة که در ۶۴۳ بتألیف آن شروع کرده و در ۶۷۲ با تمام رسانده و سپس آنرا خود بفارسی با اسم جهان دانش ترجمه کرده است.

(۴۱) **حسن بن محمد نیشابوری قمی معروف بنظام**، صاحب کشف الحقایق در شرح زیج ایلخانسی خواجه نصیر الدین طوسی از جمله علمای نجوم قرن هفتم

(۴۲) **محمد بن ابی عبدالله سنجر کمالی معروف بسیف منجم بایزدوی**، مقیم شیرازی نیز از منجمین این عصر بود و در سال ۷۰۲ زیج اشرفی را تألیف کرده است.

(۴۳) **محمد بن منصور**، از دانشمندان زمان غازان خان (۶۹۴-۷۰۳) بود و کتابی در معرفت جواهر با اسم جواهر نامه پرداخته است.



( ۴۴ ) محمدالدین سعید بن محمد بن احمد فرغانی ، معروف بسعید فرغانی متوفی در ۶۹۱ از جمله عرفای این زمان بود و شرحی بفارسی بر قصیده تائیه ابن الفارض نوشته ا

( ۴۵ ) نجم الدین صابن الاسلام محمود بن صابن الدین الیاس بن سترباریک شیرازی ، از اطباء نامی این زمان بود و کتاب غیاثه در طب از مؤلفات اوست .

( ۴۶ ) شمس الدین محمد بن علی وابکنوی ، از مردم وابکنه در سه فرسنگی بخارا و از بزرگان منجمین این زمان بود . چهل سال کواکب را رصد کرد و مدتی مقیم یزد بود و سفرهای بسیار کرد و تا اوایل قرن هشتم زنده بود ، از جمله مؤلفات او زیج سلطانیست که در ۶۹۴ تألیف کرده و دیگر زیج قطبی .

( ۴۷ ) حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن طبری استرآبادی از علمای شیعه این قرن بوده و از احوالش جزین خبری نیست که در ۶۷۵ کتاب کامل بهایی را در عقاید شیعه بفارسی بنام شمس الدین صاحب دیوان جوینی و پسرش بهاء الدین تألیف کرده و مؤلفات دیگری ازین قرار است : تحفه ابرار و هدیه اخبار بفارسی ، مناقب الطاهرین ، منهج در عبادات ، اربعین معروف بربعین بهایی ، نقض معالم فخر الدین رازی .

( ۴۸ ) شهاب الدین ابو عبدالله فضل الله بن تاج الدین ابوسعید بن حسین بن یوسف توران پستی از بزرگان دانشمندان و فقهای قرن هفتم و از مردم توران پشت قریه ای از توابع یزد و ساکن شیراز بوده و در پایان زندگی بخواهش قتلغ ترکان خاتون قراخستایی بکرمان رفته و در ۶۶۱ در آنجا در گذشته است و بازماندگان وی تا مدتی در آن شهر بوده اند . وی از بزرگان علمای شافعی ایران بوده و کتابهای چند نوشته است از آن جمله شرحی بر مصابیح السنه تألیف امام حسین بن مسعود فراء بغوی شافعی متوفی در ۵۱۶ و نیز کتابی بفارسی در اعتقادات بنام اتایک ابوبکر بن سعد بن زنگی و پسرش سعد در ولیعهدی وی بنام المعتمد فی المعتمد نوشته که بتحفه مظفری و تحفه سلغری نیز معروفست و مولوی اختر محمد خان راهپوری حنفی قادری نقشبندی مجددی آنرا بزبان اردو ترجمه کرده و وی شاعر توانایی هم بوده است .

( ۴۹ ) معین الدین حسن بن غیاث الدین حسن حسینی سگزی چشمه از بزرگان مشایخ

طریقه چشتی در هندوستان بوده در ۵۳۷ در سیستان ولادت یافته و در جوانی از مریدان شیخ عثمان هارونی شده و نخست بسمرقند و بخارا از سپس بعراق عرب رفته و در بازگشت در قصبه هارون از توابع سبزوار از اصحاب شیخ عثمان هارونی شده و پس از بیست سال مصاحبت با او و سفرهای بسیار و دیدار با محیی الدین عبدالقادر گیلانی در گیلان و چند تن از مشایخ معروف آن عصر از بلخ بالا هو در رفته و از آنجا بدهلی و از آنجا بشهر اجمیر رفته و در آنجا ساکن شده و بهمین جهت باجمیری معروف شده است و طریقه چشتی را در هند رواج داده و جمعی از هندوان نیز با او گرویده اند و سرانجام در همان شهر در روز دوشنبه ششم رجب ۶۲۳ یا سوم ذی الحجه آن سال در گذشته و قول اول معتبر ترست و معروفی تا کنون در اجمیر زیارتگاهست. معین الدین سکزی یا سجزی که نسبت وی را اغلب بخطا منجری نوشته اند از بزرگان صوفیه زمان خود بوده و در باره وی کرامات بسیار آورده و کتابهای چند نوشته اند از آن جمله کتاب دلیل العارفين در ملفوظات او تألیف قطب الدین بختیار کاکلی اوشی عارف مشهور هند که از اصحاب وی بوده و کتاب وقایع شاه معین الدین چشتی تألیف بابو لال هندو و کتاب معین الاولیا تألیف قاضی سید امام الدین خان اجمیری و کتاب مونس الارواح تألیف جهان آرا بیگم دختر شاه جهان تألیف در ۱۰۴۹. معین الدین نیز بزبان فارسی مؤلفات دارد از آن جمله کتاب فواید الفوائد در مناقب و ملفوظات نظام الدین اولیا و کتاب دیگری در همین زمینه بنام فواید الفوائد که نیز باو نسبت داده اند و تردیدست از او باشد و چنان می نماید که از علاء الدین حسن سکزیست و دیگر رساله ای در تصوف و رساله ای در طریقه شطار و کتاب معنی المعانی. کتابی شامل هزار و صد بیت غزل بنام او در هندوستان رواج دارد اما این اشعار از وی نیست و از معین الدین هروی شاعر قرن نهمست که معین مسکین تخلص می کرده است.

۵۰) صدر الشریعه عبیدالله بن مسعود بن قاج الشریعه برهان الدین محمود بن صدرالد الشریعه احمد بن جمال الدین ابو المکارم عبیدالله محبوبی بخارایی از خانواده بسیار معروف از رؤسای حنفیان بخارا بود و جدش تاج الشریعه و پدر جدش

صدرالشریعه از مشاهیر فقهای این فرقه بودند و بهمین جهت وی بصدرالشریعه اصغر معروف بود. وی نیز مانند پدران خود در فقه و اصول و حدیث و نحو و لغت و ادب و منطق دست داشت و نزد معروف ترین دانشمندان خاندان خود و بزرگان آن عصر دانش آموخته بود و در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم در بخارا می زیست و در آنجا در ۷۴۲ در گذشت و در مقبره خانوادگی در شرع آباد بخارا مدفون شد و نیاگان و فرزندان وی همه در آنجا مدفونند. وی را در فنون شرعی بزبان فارسی و تازی مؤلفات چندست از آن جمله شرح کتاب الوقایه از مؤلفات جدش تاج الشریعه و مختصر همان کتاب بنام النقایه و کتاب التتبیح فی الاصول و شرحی بر آن بنام التوضیح و مقدمات الاربعه و تعدیل العلوم و کتاب الشروط و کتاب المعاضد و کتاب الوشاح و مختصر وقایه الروایه فی مسائل الهدایه بفارسی و برین کتاب اخیر سه شرح بفارسی نوشته شده: یکی شرح مختصر و قایه معروف بترجمه مختصر گورمیری از جلال الدین محمود بن ابوبکر سمرقندی معروف بگورمیری و دیگر شرح فارسی مختصری که بنورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معروف نسبت داده اند و شرح وقایه معروف بشهر ملا صالح که معلوم نیست مؤلف آن در کدام زمان بوده است.

(۵۱) مسعود بن محمود بن یوسف سمرقندی از فقهای حنفی ماوراءالنهر بوده و مؤلف کتابیست در فقه و عبادات طریقه حنفی معروف بصلوة مسعودی که از روش انشای آن پیداست در قرن هفتم می زیسته است.

(۵۲) امام زین الصالحین ابوالقاسم بن حسین، از احوال وی اطلاعی نیست و پیداست که از پیشوایان حنفیه شاید در ماوراءالنهر بوده است و یگانه اثری که از او هست ترجمه فارسی مختصر القدوری در فروع حنفیه تألیف امام ابوالحسین احمد بن محمد قدوری بغدادی حنفی متوفی در ۴۲۸ است که بنام قدوری فارسی معروفست و از روش انشای آن پیداست که مترجم در قرن هفتم زیسته است.

(۵۳) فریدالدین مسعود بن جمال الدین سلیمان بن شعیب بن محمود بن یوسف ابن شهاب الدین فرخشاه کابلی ابن فخرالدین محمود بن سلیمان بن مسعود بن عبدالله واعظ الاصفهانی ابوالفتح واعظ الاکبر بن اسحق بن ناصر بن عبدالله بن

عمر بن خطاب معروف بفریدالدین شکر گنج یا گنج شکر که در هندوستان بیشتر بنام بابا فرید معروفست. از بزرگان مشایخ طریقه چشتی در هندوستان بود. پدرش که وی را برخی خواهرزاده محمود غزنوی دانسته‌اند در زمان شهاب‌الدین غوری از کابل بهند رفته وی در ۵۶۹ یا ۵۷۱ در قصبه کهووال از توابع ملتان ولادت یافته و جوانی را در ملتان گذرانیده و بخدمت شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی رسیده و ارشاد از وی یافته و سپس در حلقه مریدان قطب الدین بختیار کاکی عارف مشهور در آمده و وی دردم مرگ او را از شهر هانسی نزد خود خوانده و وی را جانشین خود کرده است و از آن پس در قصبه اجودهن یا پک پتن نزدیک دیبالپور از توابع ملتان ساکن شده و در همان جادر ۵ محرم ۶۶۴ در ۹۶ سالگی در گذشته و مرقد او هنوز در آنجا زیارتگاهست و در همه سال در آن بسته است تنها در روزه محرم که روز درگذشت اوست در آن راباز می‌کنند و جمعی کثیر از آن در زیارت خاک او می‌روند و آن در تنگ را «بهبشتی دروازه» می‌گویند و عقیده دارند هر که از آن بگذرد ببهبشت می‌رود. در باره وی کرامات بسیار آورده‌اند از آن جمله گفته‌اند روزی که نزد مرشد خود قطب الدین بختیار می‌رفت گرسنه بود و در راه ناتوان شد و خاکی بر دهان گذاشت و آن خاک در دهانش بشکر تبدیل شد و بهمین جهت مرشد وی او را گنج شکر یا شکر گنج لقب داده است. در مقامات وی کتابهای چند بفارسی نوشته‌اند از آن جمله راحة القلوب در ملفوظات وی از نظام الدین اولیا عارف مشهور و اسرار الاولیا در مناقب او از بدرالدین اسحق بن علی دهلوی و جواهر فریدی تألیف علی اصغر چشتی. وی در نظم و نثر فارسی دست داشته و برخی اشعار فارسی از او مانده و کتابی نیز از او باقیست بنام فواید السالکین که در ملفوظات مرشد خود قطب الدین بختیار کاکی نوشته است.

درین دوره دو کتاب مهم دیگر نیز بفارسی تألیف شده: یکی تاریخ سیستان است که ظاهراً اصل آن عربی بوده و در اوایل قرن پنجم در آغاز دوره سلجوقیان آنرا بفارسی ترجمه کرده‌اند و سپس در نیمه دوم قرن هفتم مولف دیگری حوادث سیستان را باختصار از اوایل قرن پنجم تا زمان خود بر آن افزوده و آنرا بنام ملک نصیرالدین

پادشاه سیستان و پسران او رکن‌الدین محمود و نصره‌الدین در میان سنوات ۶۷۵ - ۶۹۵ تکمیل کرده است .

کتاب دوم ترجمه فارسی کتاب الفتوح از احمد بن اعثم کوفیست که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم یکی از وزرای خوارزمشاهان مؤید الملک قوام‌الدین، منشی و شاعر معروف آن زمان رضی‌الدین سیدالکتاب امیرالشعراء محمد بن احمد بن ابی‌بکر بن احمد مستوفی زاوی ملقب بر رضی‌الکاتب را بترجمه آن مأمور کرده ولی او را مرگ در رسیده و ناتمام مانده است و بازمانده آنرا بفرمان همان وزیر محمد بن احمد بن ابی‌بکر هابیزنابادی بانجام رسانده است و این ترجمه در نهایت فصاحتست .

در قرن هفتم تغییر اساسی در شعر فارسی پدیدار شد، اساساً سبک عراقی که در اواخر قرن ششم رواج کامل یافته بود و بواسطه برچیده شدن سلسله‌های پادشاهان ایرانی در خراسان متروک ماند و فکر تصوف که در دو قرن گذشته در میان خواص ایران رواج یافته، بود در نتیجه سختی‌ها و بدبختی‌های تسلط مغول بیش از پیش تعمیم یافت و در شعر کاملاً ریشه گرفت و از سوی دیگر روز بروز از شماره پادشاهان و امرایی که شعرا را بخود جلب میکردند و مدایح ایشان را می‌خریدند کاسته می‌شد و چون شاعر ممدوحی نمی‌یافت که حق او را بگزارد و مدایح او را صلت بخشد بغزل سرایی بیشتر می‌پرداخت و برای دل‌داری و آزادی خود جز تصوف راه‌گریزی نداشت. بهمین جهت اکثریت شعرای بزرگ قرن هفتم غزل عارفانه سروده‌اند و کسانی که هنوز بسبک عراقی قصیده سرایی می‌کردند با پادشاهان و امرای جزء بودند که در پیرامون استیلائی مغول باقی مانده و بودند بمحض آنکه ایشان از میان می‌رفتند و نابود میشدند دیگر کسی جای ایشان را نمی‌گرفت. در نتیجه نهضت خاصی در شعر ایران در قرن هفتم دیده می‌شود و سبک سمبولیسم درین دوره غلبه دارد. شعرای بزرگ ایران در قرن هفتم بدین قرار بودند :

(۱) کمال‌الدین ابوالفضل اسمعیل اصفهانی پسر جمال‌الدین عبدالرزاق شاعر

معروف قرن ششم بود. وی از بزرگان شعرای قرن هفتم بشمارست، تمام عمر خویش را در مولد خود گذرانده و مانند پدر مداح آخرین پادشاهان خوارزمشاهی و بزرگان خانواده صاعدیان بود که پیشوایان مذهب حنفی در اصفهان بودند و در آخر عمر شاهد وقایع ناگوار اصفهان بود یعنی جنگهای خوارزمشاهان با مغول و استیلای مغول بر اصفهان در ۶۳۳ و زرد و خوردهای شافعیان و حنفیان اصفهان در همان سال و کشتار مهیبی که در نتیجه آن روی داد. پس ازین واقعه کمال الدین اسمعیل در گوشه ای منزوی ماند و اندکی بعد در دوم جمیدی الاولی ۶۳۵ در انزوار رحلت کرد و سبب مرگ وی را چنین نوشته اند که بر حسب اتفاق بدست مغولی کشته شد. کمال الدین اسمعیل از شعرای بزرگ ایرانست و در جز و سخن سرایان درجه دوم بشمارست. در قصیده و غزل قادر بوده و پیشوای غزل سرایان عراق در قرن هفتم شمرده می شود. دیوان وی شامل هفت هزار بیتست. در اشعار خود مضامین دقیق و تازه بسیار آورده است و بهمین جهت او را «خلاق المعانی» لقب داده اند و سبک شعرای عراق را وی باوج کمال رسانده و رساله ای ادبی بزبان تازی بنام رساله القوس نوشته است.

۲) **ابیرالدین عبدالله اومانی** از مردم اومان نزدیک همدان بود و وی را از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی شمرده اند. وی اختصاص داشته است بمدح اتابک مظفرالدین ازبک و سلیمان شاه بن پرچم ایوایی پیشوای یکی از خاندانهای کرد و بهمین جهت بیشتر عمر خود را در بغداد گذرانده و بسال ۶۶۵ درگذشته است. ابیرالدین اومانی نیز از بزرگان شعرای قرن هفتم بود و بسبک شعرای عراق قصیده سرایی می کرد و معانی دقیق در اشعار خود بسیار می آورد و بهمین جهت در زمان خویش بسیار معروف بود، دیوان وی شامل پنج هزار بیتست و در میان آن اشعار مخصوصاً قطعات اخلاقی بسیار خوب دارد و درین سبک کاملاً استاد بوده است.

۳) **جلال الدین محمد بن بهاء الدین محمد بن حسین حسینی خطیبی بکری** بلخی معروف بمولوی رومی یا ملای روم یکی از بزرگترین عرفای اسلام و از بزرگترین شعرای درجه اول ایران بشمارست. خانواده وی از خاندانهای محترم بلخ

بود و نسب ایشان بابو بکر خلیفه میرسید و پدرش از سوی مادر دخترزاده سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه بود و بهمین جهت بهاءالدین ولد معروف بود. وی در سال ۶۰۴ در بلخ ولادت یافت. چون پدرش از بزرگان مشایخ عصر بود و سلطان محمد خوارزمشاه با این سلسله لطفی نداشت بهمین جهت بهاءالدین در سال ۶۰۹ با خانواده خود خراسان را ترک کرد و از راه بغداد بمکه رفت و از آنجا در الجزیره ساکن شد و پس از نه سال اقامت در ملاطیه سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی که عارف مشرب بود او را بیایتنخت خود شهر قونیه دعوت کرد و این خاندان در آنجا مقیم شد. هنگام هجرت از خراسان جلالالدین پنجساله بود و پدرش در سال ۶۲۸ در قونیه رحلت کرد و وی پس از مرگ پدر مدتی در خدمت سید برهانالدین ترمذی که از شاگردان پدرش بود و در ۶۲۹ بآن شهر آمده بود شاگردی کرد و تا سال ۶۴۵ که شمسالدین تبریزی رحلت کرد جزو مریدان و شاگردان او بود و سپس خود جزو پیشوایان طریقت شد و طریقه‌ای فراهم ساخت که پس از وی انتشار یافت و با اسم طریقه مولویه معروف شد و خانقاهی در شهر قونیه برپا کرد و در آنجا بارشاد مردم پرداخت و آن خانقاه کم کم بدستگاه عظیمی بدل شد و معظمترین اساس تصوف بشمار رفت و از آن پس تا این زمان آن خانقاه و آن سلسله در قونیه باقیست و در تمام ممالک شرق پیروان بسیار دارد و وی همواره با مریدان خود میزیست تا اینکه در پنجم جمادی الاخره سال ۶۷۲ رحلت کرد. جلالالدین بلخی یکی از بزرگترین شعرای ایران و یکی از مردان عالی مقام جهانست و در میان شعرای ایران شهرت وی بیای شهرت فردوسی و سعدی و عمر خیام و حافظ می رسد و از اقربان ایشان بشمار می رود و آثار وی بیسیاری از زبانهای مختلف ترجمه شده، این عارف بزرگ در وسعت نظر و باندی فکر و بیان ساده و دقت در خصال انسانی یکی از بزرگان دنیاست و شاعری دون مقام اوست و یکی از بلندترین مقامات را در ارشاد فرزند آدمی دارد و وی را باید در شمار اولیا دانست. سرودن شعر تاحدی تفنن و تفریح و یک نوع لفافه‌ای برای ادای مقاصد عالی او بوده و این کار را وسیله تفهیم قرار داده است. اشعار وی بدو قسمت منقسم میشود نخست

منظومه معروف اوست که از معروفترین کتابهای زبان فارسیست و آنرا مثنوی معنوی نام نهاده است. این کتاب که صحیحترین و معتبرترین نسخه‌های آن شامل ۲۵۶۳۲ بیت است بخش دفتر منقسم شده و آن را بعضی باسم صیقل الارواح نیز نامیده‌اند. دفاتر شش گانه آن همه بیک سیاق و مجموعه‌ای از افکار عرفانی و اخلاقی و سیر و سلوک است که در ضمن آیات و احکام و حکایات و امثال بسیار در آن آورده است و آنرا بخواش یکی از شاگردان خود حسن بن محمد بن اخی ترک معروف بحسام‌الدین چلبی که در ۶۸۳ رحلت کرده است نظم کرده و وی هنگامی که شوری و وجدی داشته چون بسیار مجذوب سنایی و عطار بوده است بهمان وزن و سیاق منظومات ایشان اشعاری با کمال زبردستی بدیبه می‌سروده است و حسام‌الدین آنها را می‌نوشته. نظم دفتر اول در ۶۶۲ تمام شده و درین موقع بواسطه فوت زوجه حسام‌الدین ناتمام مانده و سپس در ۶۶۴ دنباله آنرا گرفته و پس از آن بقیه را سروده است. قسمت دوم اشعار او مجموعه بسیار قطور است شامل نزدیک صد هزار بیت غزلیات و رباعیات بسیار که در موارد مختلف عمر خود سروده و در پایان اغلب آن غزلیات نام شمس‌الدین تبریزی را برده و بهمین جهت بکلیات شمس تبریزی و با کلیات شمس معروفست و گاهی در غزلیات خاموش و خموش تخلص کرده است و در میان آن همه اشعار که با کمال سهولت می‌سروده است غزلیات بسیار رقیق و شیوا هستند که از بهترین اشعار زبان فارسی بشمار تواند آمد.

جلال‌الدین بلخی پسری داشته است باسم بهاء‌الدین احمد معروف بساطان ولد که نام وی در جای خود خواهد آمد و جانشین پدر شد و سلسله ارشاد وی را ادامه داده است و از عرفای معروف قرن هشتم بوده و او مطالبی را که در مشافهات از پدر خود شنیده است در کتابی گرد آورده و «قیه‌ما فیه» نام نهاده است و نیز منظومه‌ای بهمان وزن و سیاق مثنوی بدست هفت که باسم دفتر هفتم مثنوی معروف شده و باو نسبت میدهند اما از و نیست. دیگر از آثار مولانا مجموعه مکاتیب او و مجالس سبعه شامل مواعظ اوست.

(۴) ملک‌الشعراء پوربهای جامی از شعرای درجه دوم قرن هفتم بود، در



اوایل عمر در خراسان می زیست و خاندان وی در ولایت حجام منصب قضا داشتند و وی از مداحان خواجه وجیه الدین زنگی بن خواجه طاهر فریومدی هستوفی خراسان بود و در زمانی که ارغون خان حکمران خراسان بود او را با ممدوح وی بتبریز برد و در آنجا پوربها را با شعرای آذربایجان که مختصان صاحب دیوان جوینی بودند ملاقات و مشاعره روی داد و وی در سلك ایشان داخل شد و تا آخر عمر در آذربایجان می زیست و در اواخر قرن هفتم در گذشت. پوربهای جمعی در قصیده سرایی زیر دست بود و دیوان اشعار او در دست نخستین کسبیت که کلمات و اصطلاحات مغولی را در شعر خود آورده است.

(۵) **ملك الشعراء بهاء الدین احمد بن محمود قانعی طوسی**، نخست در خراسان می زیست و در سال ۶۱۷ از فتنه مغول گریخت و از راه دریا به عدن و مدینه و مکه رفت و سپس به بغداد آمد و بیاد روم رفت و در دربار سلطان علاء الدین کیقباد سلجوقی وارد شد «ملك الشعراء» او شد و سپس در دربار جانشینان وی غیاث الدین کیخسرو و عزالدین کیکاوس همین مقام را داشت و نزدیک چهل سال درین مقام باقی بود و در اواخر قرن هفتم در گذشت. قانعی نیز در قصیده سرایی مهارت تام داشته و ازو هم جز بعضی اشعار نمانده است با آنکه مدت چهل سال شعر می گفته و وقایع پادشاهان سلجوقی روم را نظم می کرده و کتابی باسم سلجوقنامه در تقلید شاهنامه نظم کرده بود که شامل ۳۰ مجلد و ۳۰۰ هزار شعر بود و گذشته از آن کتاب کلیده و دمنه را هم نظم کرده بود ولی از آن همه چیزی بجز کلیده و دمنه بدست نیست.

(۶) **رضی الدین ابو عبد الله محمد بن عثمان امامی هروی** از دانشمندان هرات بود و پادشاهان آل کرت را مدح می گفت و سپس بکرمان رفت و مدتی پادشاهان و امرای آن دیار را مدح می گفت و بعد باصفهان آمد و بازمانده عمر خود را در اصفهان گذراند و چون در زبان و ادبیات عرب مهارت بسیار داشت در زمان خویش بسیار معروف شد و حتی بعضی از معاصرین وی را بر سعدی ترجیح دادند و وی در اصفهان در ۱۷ محرم ۶۸۶ در قصبه لنجان رحلت کرد. امامی از شعرای درجه دوم قرن هفتم ایران بود و در قصیده سرایی بسبک عراقی مهارت داشت. دیوان وی شامل نزدیک دو هزار بیت

بدستت و در زبان عرب نیز مؤلفات دارد از آن جمله است شرحی که بر قصیده باغیه ذوالرمة شاعر معروف عرب نوشته است .

(۷) مجدالدین همگر یزدی شیرازی از بزرگ زادگان یزد بود ولی چون بیشتر در شیراز می زیسته است بشیرازی معروف شده و خود نسب خویش را بسامانیان میرساند ، مدتی در اصفهان می زیسته و سپس بفارس رفته و در خدمت اتابکان سلغری فارس زیسته و پس از انقراض این خاندان باصفهان بازگشته و از مداحان بهاءالدین محمد پسر شمس الدین صاحب دیوان حکمران اصفهان بوده است . در زمانی که در فارس بوده مدتی جزو مداحان اتابک سعدبن ابی بکر بن سعدبن زنگی ممدوح معروف سعدی بوده و خود می گوید که سمت وزارت ادرا داشته است و عاقبت در اصفهان در ۶۸۶ رحلت کرده است . مجد همگر در غزل و قصیده مهارت تام داشته و از بزرگان خوشنویسان و شعرای قرن هفتم بوده است . دیوان وی شامل نزدیک هفت هزار بیتست و در آن میان اشعار لطیف بسیار دارد .

(۸) بدرالدین جاجرمی نیز از شعرای معروف قرن هفتم بود و بسبب عراقی قصاید می سرود و همواره در اصفهان می زیست و در اواخر عمر در سملک مداحان بهاءالدین محمد جوینی در آمد و بهمین جهة شمس الدین صاحب دیوان راهم مدح گفته است و وی نیز در ۶۸۶ در اصفهان در گذشته ، دیوان وی شامل نزدیک چهار هزار بیتست و منظومه ای در اختلاجات سروده است .

(۹) خواجه شمس الدین محمد بن بهاء الدین محمد جوینی صاحب دیوان از خانواده معروف جوینیان بود که رجال بسیار از ایشان در اواخر قرن ششم و در قرن هفتم چه در دولت خوارزم شاهان و چه در دولت مغول مقامات مهم داشته اند و همه دبیر و مستوفی و وزیر بوده اند و وی برادر ارشد عظاملك جوینیست . پدرش بهاء الدین محمد در سال ۶۳۰ صاحب دیوان خراسان شد و در ۶۴۱ از جانب امیر ارغون نایب آورد آذربایجان و گرجستان دروم گشت و پسرش شمس الدین از جوانی در دربار مغول بود و از عمال هولاکوخان بشمار می رفت و پس از فتح بغداد در سال ۶۵۷ حکمران

آن ناحیه شد و در ۶۶۱ بوزارت هولاکوزسید و پس از مرگ هولاکو در زمان ابقاخان درین مقام باقی بود تا آنکه در میان وی و مجدالملک یزدی که از بر آوردگان او بود تقاری در گرفت و مجدالملک بنای سعایت را گذاشت و خاندان جوینیان را بخیانت متهم کرد و ابقاخان به رین خانواده بدگمان شد. به همین جهت نخست عظاملک را از حکمرانی بغداد عزل کرد و درین میان ابقاخان مرد و برادرش تگودار احمد بجای او نشست و او با صاحب دیوان چندان سخت نگرفت تا آنکه ارغون خان جانشین او شد و درین زمان صاحب دیوان فرار کرده بود و در اصفهان می زیست و میخواست به هندوستان بگریزد و چون پابند خانواده خود بود مصمم شد نزد ارغون رود و دل او را نرم سازد و با آنکه ارغون بخوش رویی او را پذیرفت پس از چندی فرمان داد که او را محاکمه کنند و قرار شد که جریمه دهد ولی مبلغی که از فروش املاک خود فراهم ساخته بود پسندیده نیفتاد و ارغون حکم کشتن او را صادر کرد و وی را عصر دو شنبه ۴ شعبان ۶۸۳ در نزدیک اهر در آذربایجان کشتند و هر کس را که از خانواده او یافتند نابود کردند. شمس الدین صاحب دیوان جوینی یکی از بزرگان تاریخ ایرانست و از حیث تدبیر و کاردانی و هروت و بزرگواری و زیر دست پروری و سخا و دانش گستری و لطف عام مقامی نظیر مقام نظام الملک طوسی دارد و از مردان بزرگ این دیار بشمار تواند آمد. در ادبیات قرن هفتم مقام بسیار رفیعی دارد زیرا که نویسندگان و شعرای بزرگ این دوره از نعم وی برخوردار شده اند و همه از وصلات گران گرفته در حق وی مدح های غرا گفته اند. شمس الدین خود در نظم و نثر فارسی مهارت کامل داشته، بعضی از منشآت و مکاتیب او باقیست که قدرت وی را در انشای فارسی مسلم می کند و بعضی غزلیات و قصاید و قطعات که از او مانده ثابت میکند که از شعرای زبردست زمان خود بوده است.

(۱۰) فخرالدین ابراهیم بن یزید مهر بن عبدالغفار جو اقی همدانی متخلص بهراقی یکی از بزرگترین شعرای غزل سرای ایران و یکی از بزرگان عرفای این دیارست. در سال ۶۱۰ در روستای کمیجان یا کمیجان در ناحیه اعلم یا المر در میان

همدان و اراک که در ۸۶ کیلومتری هر دو شهر است ولادت یافته است. در جوانی بسن ۱۷ سالگی شور تصوف در او پدید آمد و به همراهی چند تن از درویشان از همدان در حدود سال ۶۲۷ هجری هندوستان کرد و در مولتان جزو شاگردان شیخ بهاء الدین زکریا مولثانی عارف معروف قرن ششم جای گرفت و بیست و دو سال در خدمت او ماند و دختر او را نکاح کرد و پس از مرگ وی جانشین او شد ولی چون مریدان دیگر زیر بار او نرفتند از هندوستان بیرون آمد و بمکه و مدینه رفت و از آنجا به بلاد روم افتاد و در شهر قونیه به خدمت صدرالدین قونوی رسید و کتاب فصوص الحکم محیی الدین ابن العربی را که معروف ترین کتاب تصوف در آن زمان بود نزد وی درس خواند و در آن دیار معروف شد تا بعدی که معین الدین پروانه حکمران آن دیار معجذب وی گشت و برای او در شهر توقات خانقاهی ساخت ولی پس از مرگ معین الدین وی از روم هجرت کرد و به شام و مصر رفت و شیخ الشیوخ مصر شد و سپس در هشتم ذی قعدة سال ۶۸۸ در دمشق رحلت کرد و در صالحیه نزدیک قبر محیی الدین ابن العربی مدفون شد. فخرالدین عراقی یکی از شعرایست که غزل عارفانه را بسیار لطیف و طرب انگیز و سوزناک سروده است و شعر او وجود و شور خاصی دارد و در مثنوی درجه زیبایی غزل عارفانه است. دیوان قصاید و غزلیات او شامل چهار هزار و هشتصد بیت بدست است و بجز آن منظومه ای بر وزن حدیقه سنایی با اسم عشاق نامه یاده نامه برای شمس الدین صاحب دیوان سروده است. در تشریح فارسی کتاب بسیار معروفی در تصوف تألیف کرده است با اسم لمعات که در نهایت شور و لطف نوشته و انشای عاشقانه بسیار لطیفی دارد و آنرا پس از درس خواندن نزد صدرالدین قونوی نوشته و با استاد خود نموده و از اجازت انتشار گرفته است و این کتاب از اجلة مؤلفات متصوفه در زبان فارسیست و شرح متعدد بر آن نوشته اند از آن جمله است شرحی که عبدالرحمن جامی شاعر معروف قرن نهم با اسم اشعة اللمعات در ۸۸۹ بر آن پرداخته است و شرح شاه نعمه الله ولی و شرح صابن الدین علی ترکیه اصفهانی متوفی در ۸۳۵ بنام «الضوء» و شرح شیخ یار علی شیرازی بنام اللمعات فی شرح اللمعات و شرح خاوری و شرح برهان الدین ختلازی متوفی در ۸۹۳ و شرح درویش علی بن یوسف کوکهری در آغاز قرن نهم عراقی

رساله‌ای نیز در اصطلاحات تصوف تألیف کرده است. عراقی از دختر بهاء الدین زکریا پسری داشته است با اسم کبیر الدین .

### ۱۱) ضیاء الدین محمود بن جلال الدین مسعود خجندی معروف بفارسی

از شعرای معروف اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود. اصلاً از مردم خجند بود و پدرش در زمان قطب الدین محمد تکش خوارزمشاه از خجند بخوارزم رفت و در دربار خوارزمشاهان بمقام عالی رسید تا بعدی که در زمان غیاث الدین بیرامشاه وزیر خراسان شد و پسر درین سفرها با وی همراه بود و چون پدر در فتنه مغول کشته شد ضیاء الدین جانشین پدر گشت و بوزارت خراسان رسید ولی پس از چندی از کار وزارت کناره گرفت و چندی نزد امام فخر رازی تحصیل علوم می کرد و سپس در جمع متصوفه داخل شد و از مریدان نجم الدین کبری گشت و نیز گفته اند که از مریدان ضیاء الدین ابوالنجیب سهروردی بود و عاقبت در هرات ساکن شد و در آنجا بسال ۶۲۲ در گذشت. ضیاء الدین فارسی مریدی دانشمند بوده و مؤلفات بسیار در تصوف و اصول و کلام داشته است. از آن جمله شرحی بر محصول امام فخر رازی نوشته است. شعر فارسی را نیز نیکو می سروده است و قصاید بسبک عراقی بسیار گفته و از شعرای معروف زمان خود بوده و دیوان وی شامل چهار هزار بیت بدستست .

### ۱۲) رفیع الدین مسعود لنبانی ، از مردم لنبان نزدیک اصفهان بود و همواره

در آن دیار زندگی میکرد ، از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه عمرش طولانی نشده و در زمان خود در میان شعرای عراق بسیار معروف بوده است و در اصفهان در سال ۶۳۰ در گذشته و همانجا مدفون شده است . وی نیز از شعرای معروف سبک عراقیست و دیوان وی شامل نزدیک سه هزار بیتست که در آن میان اشعار لطیف و مضامین تازه بسیار دارد .

### ۱۳) نجیب الدین جرفادقانی ، در جوانی بیغداد رفت و در فتنه مغول مدتی

در قلعه و شاق مقیم بود و امرای آن دیار را مدح میکرد و چون رکن الدین غورسانجی برادر جلال الدین خوارزمشاه عراق و کرمان را گرفت و عمادالملک ساوجی وزیر او

شد بواسطه روابطی که نجیب‌الدین با این وزیر داشت با او باصفهان رفت و نزد آن پادشاه قریبی یافت و جزو عمال دربار او در عراق شد و معروفست که درین موقع چون بدان منصب رسید پادشاه خلعت و جایزه نقد بوی داد و او از بلندی همت که داشت آن زر را از مجلس سلطان که بیرون می آمد بتنگی دستان داد و چون سلطان رکن الدین از عراق بری و فیروز کوه رفت و با سپاه مغول جنگ کرد و کشته شد نجیب‌الدین از کار خویش استعفا جست و بوطن خویش رفت و در آنجا بود تا در آنجا سال ۶۶۵ در گذشت. نجیب‌الدین جرفادقانی یکی از بهترین شعرای سبک عراقی در قرن هفتم بوده و مضامین بسیار بدیع در الفاظ رقیق دارد. دیوان اشعار وی شامل چهار هزار بیت قصیده بدستست و مثنوی بشر و هند نیز ازوست که در همان قلعه و شاق سروده است.

(۱۴) فرید الدین احوال اصفهانی، اصل وی از اسفراین بود ولی چون مدتی در اصفهان زندگی کرد باصفهانی معروف شد، در جوانی از خراسان به هندوستان و سپس بفارس رفت و بدربار اتابکان فارس در آمد و مدتی مداح سعد بن ابی بکر بن سعد زنگی بود و در ضمن بنظام الدین وزیر وی پیوستگی داشت و در میان وی و شعرای عراق و فارس که در آن زمان بودند رقابت افتاد و درین رقابت هر کدام قصیده‌ای نزد صدر الشریعه بخاری فرستادند و او امیر رکن الدین میر آب را که از ادبای معروف زمان بود با امتحان ایشان گماشت و درین امتحان برتری فریدالدین ثابت شد و سپس وی از شیراز باصفهان رفت و تا آخر عمر در اصفهان مقیم بود و در اوایل قرن هفتم در اصفهان رحلت کرد و بعضی هم مرگ وی را در بخارا نوشته‌اند. فریدالدین احوال نیز از شعرای معروف قرن هفتم ایرانست که بسبک عراقی قصاید نیکو می سروده ولی بیش از دیگران بصنایع لفظی و محسنات کلام دل بستگی داشته و بهمین جهت اشعار وی بسبک قطران و رشید وطواط و عبدالواسع جبلی نزدیک ترست و در عروض و قافیه و صنایع شعری مهارت تام داشته است. دیوان اشعار وی شامل سه هزار و یانصد بیت بدستست.

( ۱۵ ) مصلح‌الدین ابو محمد عبدالله بن مشرف بن مصلح بن مشرف سعدی شیرازی در حدود سال ۶۰۵ و ۶۰۶ هجری در شیراز متولد شده و پیش از استیلاي مغول بعزم تحصیل ببغداد رفته و در مدرسه نظامیه علوم متداول زمان خود را درك کرده و از استادان معروف آن زمان مانند شمس‌الدین ابوالمظفر یوسف ابن قزاق و علی معروف بسبسط ابن الجوزی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی بهره مند شده است و در اثر این تعلیمات عارف پیشه شده و پس از فراغت از تحصیل سفرهای چند در دربار اسلام کرده و ظاهراً باقصی نقاط آسیای غربی رفته است و پس از مدتی مدیدی بشیراز بازگشته و در دربار اتابکان فارس منزلتی یافته و بانایک سعد بن ابی بکر بن سعد بن زنگی در ولیمهدی او منتسب شده و تخلص خود را ازو گرفته و ظاهراً از همین زمان دوره شاعری او شروع شده است این اتابک سعد پس از مرگ پدر که در ۶۵۸ اتفاق افتاد بجای او نشست ولی دوازده روز بیشتر درین مقام نبود و چون هنگام مرگ پدر در شیراز نبود و در تفرش قم سکونت داشت موقعی که عازم بود در راه رحلت کرد ولی چون در زمان پدر اختیار کارها بدست او بود سعدی در همین دوره مداح او بوده است و این شاهزاده در پرورش شعرا و ادبا بسیار شایق بود و جمعی کثیر از بزرگان ادبای ایران از وی منتعم شده اند. پس از برچیده شدن دستگاه اتابکان فارس و استیلاي مغول بر آن دیار سعدی در سلك مداحان خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان و برادرش عظاملك جوینی درآمد و پس از مصایبی که برای این خانواده رخ داد دیگر سعدی بممدوح دیگری اقبال نکرد و بازمانده عمر خود را در پیروی در خانقاهی که در شیراز داشته است بانزو گذرانید و قسمت اعظام از غزلیات خود را درین مدت سروده است. عاقبت در شیراز در شب سه شنبه ۲۷ ذی‌الحجه سال ۶۹۱ در حالی که بیش از هشتاد سال از عمر وی گذشته بود رحلت کرد و در همان محل اقامت خود مدفون شد. سعدی بی شک بزرگترین شاعر ایران و یکی از بزرگترین شعرای جهان است، تا کنون هیچ کس در زبان فارسی بروانی و لطف و سادگی و شیوایی و انسجام و فصاحت و فریبندگی الفاظ او شعر نگفته است و بهمین جهت غزلهای او در زبان فارسی بی نظیر است و چون منتهای سادگی و روانی را در ساده‌ترین احساسات

طبیعی بکار برده بهر زبانی که ترجمه شود از زیبایی آن کاسته نمی گردد و بهمین سبب در تمام عالم معروف شده و در سلك بزرگان فرزندان آدمی در آمده است. در نظم و نثر و اقسام مختلف شعر از قصیده و غزل و قطعه و مثنوی و مدح و معاشقه و حکمت و نصیحت در منتهی درجه قادر بوده و سبك انشای او نیز در نثر فارسی همواره در هر طبقه ایران مطلوب بوده و نمونه بهترین نثر شمرده شده است. کلیات نظم و نثر او شامل چندین رساله و کتاب مستقل است: غزلیات او که بهترین نمونه سبك شعر او است و در نهایت لطف و شیوایی سروده شده است شامل چهار کتاب است: ۱ - غزلیات قدیم، طیبات، بدایع، خواتیم و هر قسمتی شامل غزلیات يك دوره از عمر او است. ۲ - بوستان یا سعدی نامه منظومه ایست ببحر متقارب تقریباً شامل دو هزار بیت که در ۶۵۵ بنام ابوبکر بن سعد نظم کرده و شامل حکایات و ابواب چند در معارف و اخلاق و حکم و سیر و سلوک و امثال است و از جمله معروفترین کتاب های نظم فارسی است. ۳ - گلستان که معروفترین کتاب نثر فارسی است و در سال ۶۵۶ بنام همان اتابك تمام کرده و معروف تر از آنست که بحد و وصف در آید. ۴ - قصاید فارسی و عربی و ترجیعات و ترکیبات و مقطعات و ابیات پراکنده (مفردات) و رباعیات که هر يك قسمت جداگانه ایست. ۵ - رسایل مختلف نثر شامل: مجالس پنج گانه، سؤال صاحب دیوان، رسایل عقل و عشق، رساله نصیحت ملوک، مضحکات و میزان در صرف افعال عرب و در ضمن دیباچه ای بر کلیات خود نوشته که انهم رساله جداگانه است. ۶ - منظومات مختلف شامل: مثنوی کریم، سرانی، ملمعات، صاحبیه. کلیات سعدی از نظم و نثر تقریباً شامل نه هزار بیت است که علی بن احمد بن ابی بکر معروف بیستون در سال ۷۲۰ جمع کرده است.

(۱۶) خواجه همادالدین تبریزی از مشاهیر شعرای آذربایجان و یکی از بهترین

غزل سرایان قرن هفتم ایران بود و با خاندان جوینیان پیوستگی تام داشت و همواره در تبریزی زیست و در آن شهر ولادت یافته و در سال ۷۱۴ در همانجا در گذشته است. دیوان غزلیات او که اشعار بسیار روان دل انگیز در میان آن هست شامل نزدیک به هزار بیت است و مثنوی صحبت نامه نیز ازوست که بنام خواجه شرف الدین هارون



پسر صاحب دیوان جوینی سروده است .

(۱۷) امیر رکن الدین حسین بن عالم بن ابوالحسن حسینی هروی غوری  
فخر السادات معروف بامیر حسینی یا حسینی سادات از مردم شهر غزویو یا گزیو در  
کوهستان غور بود. از بزرگان عرفا و شعرا و نویسندگان قرن هفتم ایران بشمارست  
و بیشتر ایام خود را در شهر هرات می گذراند و بارشاد مردم می پرداخت و جمله ای که  
وی در آن ساکن بوده هنوز در هرات بنام محله میر حسینی سادات معروفست و از  
پیروان بهاء الدین زکریای ملتانی و شهاب الدین سهروردی بود و در ۷۱۸ در هرات  
رحلت کرد. در تشریح کتاب بسیار معروفی در تصوف تألیف کرده است باسم نزهة الارواح  
که در ۷۱۱ تمام کرده و دیگر نزهة المجالس که در ۷۲۱ پایان رسانیده و دیگر  
روح الارواح و دیگر مصراط المستقیم و در نظم چند مثنوی او بدستست یکی زاد المسافرین  
و دیگری کنز الرموز که از جمله بهترین منظومات عرفای ایرانست .

(۱۸) سعد الدین یا نجم الدین محمود بن عبدالکریم شبستری متولد در ۶۸۷  
از مردم شبستر آذربایجان و از بزرگان مشایخ آن دیار بود و از علمای نامدار تبریز  
بشمار میرفت و اوقات خویش را در درس و بحث می گذراند و در سال ۷۲۰ در تبریز  
رحلت کرد. شیخ شبستری مؤلف مثنوی معروفیست باسم گلشن راز که شروع بسیار بر  
آن نوشته اند و از آن جمله شرح کمال الدین حسین اردبیلی متخلص بالهی در قرن  
دهم و شرح شاه داعی الی الله شیرازی بنام نسایم گلشن و شرح محمد بن یحیی بن علی  
لاهیجی تألیف در ۸۷۷ و شرح مظفر الدین علی شیرازی و شرح ادریس بن حسام الدین  
بدلیسی مورخ معروف قرن دهم ترکیه و شرح شیخ بابا نعمه الله بن محمود نخجوانی  
و شرح حاج محمد ابراهیم بن محمد علی شریعت مدار سبزواری خراسانی و نیز شرحی  
بعبد الرحمن جامی نسبت داده اند که در دیدست از او باشد و این منظومه را بزبانهای  
انگلیسی و آلمانی ترجمه کرده اند و از معروفترین کتابهای عرفای ایرانست و در ماه شوال  
۷۱۷ امیر حسینی هروی سوائاتی از وی بنظم کرده و او جواب آنها را بنظم سروده و  
این مثنوی را ترتیب داده است. بجز آن دو مثنوی دیگر یکی باسم شاهد نامه و دیگر

باسم سعادت نامه سروده است و خود تصریح می کند که شاعر نبوده و این وسیله را برای اظهار مطالب خویش پیش گرفته است. در ثر نیز رسایل چند در تصوف تألیف کرده از آن جمله است حق الیقین و مرآت المحققین.

۱۹) سعدالدین نزاری قهستانی از غزل سرایان معروف قرن هفتم ایران بود و در زمان خویش شهرت بسیار داشت و از اسمعیلیان قهستان بود به همین جهت در دیار خود هنزوی می زیست و در قاین و بیرجند اقامت داشت و تخلص خود را از نام نزار بن مستنصر خلیفه اسمعیلی عصر گرفته بود که از ائمه اسمعیله ایران بشمار میرفت. وی در سال ۷۲۰ رحلت کرد. نزاری غزل را روان و لطیف می سروده و دیوان وی شامل نزدیک هفت هزار بیت بدست است و نیز دو منظومه دستور نامه و سفر نامه را سروده است.

۲۰) امیر خسرو بن امیر سیف الدین محمود دهلوی پدرش لاجین نام از ترکان ختایی ترکستان بود و در استیلائی مغول از بلخ به هندوستان فرار کرد و در خدمت سلطان شمس الدین التمش در آمد و با امیر سیف الدین محمود شمس معروف شد و خسرو پسرش در سال ۶۵۱ در دهلی ولادت یافت و پس از مرگ پدر که در سال ۶۵۸ روی داد بسر پرستی خالش تربیت یافت و از آغاز جوانی در حمایت پادشاهان دهلی در آمد و مداح پنج تن از ایشان شد که نخستن ایشان معز الدین کیقباد (۶۸۶-۶۸۹) و آخرین ایشان سلطان محمد بن تغلق (۷۲۵-۷۳۰) بود و در همان سال جلوس این پادشاه در ربیع الاول ۷۲۵ در دهلی رحلت کرد و در بقعه نظام الدین اولیا مدفون شد. خسرو دهلوی بزرگترین شاعر ایرانی هندوستان است و به همین جهت او را سعدی هندوستان لقب داده اند. در اقسام مختلف شعر مانند مدح و غزل و مثنوی مهارت داشته ولی شاهکار او بیشتر غزل عارفانه است که الفاظ رقیق و معانی دقیق را با فکر تصوف آمیخته است و در تصوف پیرو عارف مشهور هندوستان نظام الدین اولیا بود. کلیات وی از حیث نظم و نثر دارای چندین مجلد کتابهای جالب توجه است. بدین قرار: ۱- تحفة الصغر شامل غزلیات و قصاید آغاز عمر او، ۲- وسط الحیوة شامل اشعار او اوسط عمر، ۳- غرة الکمال شامل اشعار از آخر عمر وی، ۴- بقية نقيه شامل اشعار پیری او، ۵- نهاية الکمال شامل اشعار

آخر عمر وی ۶ - مطلع الانوار در برابر مخزن الاسرار نظامی که در ۶۹۸ تمام کرده ،  
 ۷ - شیرین و خسرو در برابر منظومه خسرو و شیرین نظامی که در ۶۹۸ تمام کرده ،  
 ۸ - لیلی و مجنون در برابر منظومه نظامی که در همان سال تمام شده است ، ۹ - آینه  
 سکندری در برابر اسکندر نامه نظامی که در ۶۹۹ تمام کرده ، ۱۰ - هشت بهشت  
 در برابر هفت پیکر نظامی که در ۷۰۱ بانجام رسانده ، ۱۱ - قرآن السعدین بوزن مخزن -  
 الاسرار در شرح ملاقات معزالدین کیقباد و برادرش ناصرالدین بغراخان شاه بنگاله  
 در ۶۸۸ ، ۱۲ - مثنوی نه سپهر ، بنه وزن مختلف ، ۱۳ - مثنوی مفتاح الفتوح بوزن خسرو و شیرین  
 در فتوح جلال الدین فیروز شاه از ۶۸۹ تا ۱۴۰۶ ، ۱۴ - منظومه خضرخان و دولرانی یا عشقیه  
 در شرح معاشقات این دو تن که معاصر وی بوده اند ، ۱۵ - تغلق نامه در فتوحات  
 غیاث الدین تغلق شاه . مؤلفات وی در نشر عبارتست از : ۱ - خزاین الفتوح در تاریخ سلطان  
 علاء الدین محمد خلجی (۶۹۵ - ۷۱۵) که با اسم تاریخ علائی نیز معروفست و تقلید است  
 از تاج المآثر حسن نظامی ، ۲ - رسایل الاعجاز یا اعجاز خسروی در فن انشاء . ۳ - افضل -  
 الفوائد مجموعه ملفوظات نظام الدین اولیا ازین قرار ختمه نظامی را جواب گفته و  
 مثنویات پنج گانه آنرا که نزدیک هیجده هزار بیتست در سه سال نظم کرده و از همین  
 پیدا است که طبع او تا چه حد روان بوده است و نزدیک صد هزار شعر از و باقی مانده  
 و گذشته از شعر و عرفان و انشاء در موسیقی هم مهارت داشته و نیز از نخستین کسانیست  
 که بزبان هندی شعر گفته است .

( ۲۱ ) خواجه نجم الدین حسن بن علی سجزی دهلوی معروف بحسن  
 دهلوی از شاگردان و مصاحبین امیر خسرو دهلوی بود و از شعرا و عرفای معروف قرن  
 هفتم هندوستان بشمارست . مدتی در دربار سلطان محمد بن غیاث الدین بلبن و مدتی نیز  
 از مداحان علاء الدین محمد خلجی بود و در ضمن جزو مریدان شیخ نظام الدین اولیاء  
 بشمار میرفت و امالی و تعلیمات مرشد و استاد خود را جمع میکرد و در سال ۷۲۷ یا  
 ۷۳۱ در دولت آباد هندوستان و در دربار محمد بن تغلق شاه در گذشت . خواجه  
 حسن دهلوی از بهترین شعرای فارسی زبان هندوستانست و غزل عارفانه را نیکومی

سروده ، بهمین جهت او را نظیر حافظ در هندوستان دانسته‌اند و دیوان وی شامل نزدیک نه هزار بیت غزل و مثنوی در دست است .

(۲۲) سید سراج الدین سراجی سکزی از شعرای معروف قرن هفتم هندوستان بود نخست در سیستان مقیم بوده و در دربار پادشاهان آل خلف می زیسته و ملک نصرقه الدین ابوالخطاب خسرو شاه بن بهرام شاه را مدح می گفته است و پس از کشته شدن وی و بروز فتنه مغول از سیستان گریخته و به ربستان بمکه و بمدینه رفته است و از آنجا به هندوستان افتاده و بدربار شمس الدین التمش (۶۰۷-۶۳۳) راه یافته و جزو مداحان وزیر وی نظام الملک قوام الدین محمد بن محمد جنیدی شده است . دیوان وی شامل پنج هزار بیت موجود است و وی در سبک قصیده خراستانی استاد کاملی بوده است و یکی از آخرین شعرا نیست که بدین سبک سخن گفته‌اند .

(۲۳) قاضی نظام الدین محمود قمری اصفهانی متخلص بقمر معروف بن نظام اصفهانی یا قاضی نظام الدین از شعرای معروف عراق در قرن هفتم بوده است و در اصفهان می زیسته و مدتی هم مداح اتابیک ابوبکر بن سعدزنگی بوده است و از مختصان خاندان خجندیان اصفهان بشمار می رفته و قصیده را بسبک عراقی با الفاظ رقیق و معانی دقیق خوب می گفته است و از جمله در سرودن اشعار ملمع دست داشته و دیوان وی شامل چهار هزار بیت بدست است .

(۲۴) قاضی رکن الدین دعوی دارقمی از شعرای نامی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود . نخست در قم می زیست و از مداحان جسام الدوله اردشیر بن حسن ملک الجبال بیاوندی ( ۵۶۷ - ۶۰۲ ) بود و پس از انقراض این سلسله از خدمت این خاندان منفک شد و ظاهراً تا اوایل قرن هفتم نیز می زیست و در تبریز در گذشت . در نظم و شرفارسی مهارت داشته و قصیده را بسبک شعرای عراق نیکو می سروده و از اشعار او جز اندکی نمانده است .

( ۲۵ ) زراثشت بهرام بن پروذو از زرتشتیان مقیم هندوستان بوده و از احوال وی اطلاع چندانی نیست . در سال ۶۴۷ روایاتی را که در میان زرتشتیان راجع بر زندگی

زرتشت پیامبر معروف ایران متداول بوده است باسم زراتشت نامه ببحر متقارب نظم کرده و اشعار بسیار بلند در آن میانست که مقام وی را در شاعری مسلم می‌دارد و نیز کتاب ارادی ویرافنامه را که از متون معروف پهلویست بنظم آورده است .

(۲۶) اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری از حکمای معروف و علمای نامی قرن هفتم بود. نخست در عراق و اصفهان می‌زیست و از شاگردان امام فخر رازی بود و در استیلاي مغول از ایران گریخت و در بلاد روم ساکن شد و در آنجا بتعلیم و تألیف می‌پرداخت و عاقبت در ۶۶۰ رحلت کرد . اثیرالدین ابهری در منطق و ریاضیات و نجوم و حکمت مؤلفات معروف دارد از آن جمله است کتاب ایسا فوجی در منطق و هداية الحکمه در منطق و طبیعیات و الهیات که شرح متعدد بر آن نوشته‌اند و در ضمن شعر فارسی را نیکومی سروده و در اوایل عمر با جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی مشاعره می‌کرده است ولی از شعر او چیزی بدست نیست .

(۲۷) اوحدالدین حامد بن ابی الفخر کرمانی از عرفای مشهور قرن هفتم بود و بیشتر از ایام عمر خویش را در سفر گذرانده چنانکه مدتی از جوانی خود را در اربل گذرانیده و آنجا معتقدان بسیار داشته و سپس چندی در دمشق و مدتی در بغداد بوده و جمعی کثیر از عرفای معروف آن زمان خدمت وی را درك کرده اند و وی از مریدان شیخ رکن‌الدین سجاسی بوده و با محیی‌الدین ابن‌العربی و شمس‌الدین تبریزی معاشرت داشته و فخرالدین عراقی و اوحدی مراغی و سیدجسینی از شاگردان وی بوده‌اند و در سال ۶۳۲ پیشوایی صوفیان بغداد در رباط مرزبانیه منصوب شد و در سال ۶۳۵ یا ۶۳۶ رحلت کرد . اوحدالدین کرمانی در شعر فارسی بمسلك عرفا بسیار توانا بوده و رباعیات وی در تصوف بسیار معروفست که بسیاری از آنها باسم عمر خیام معروف شده و نیز مثنوی مصباح‌الارواح را سروده است که یکی از بهترین منظومات عرفای ایران بشمار می‌آید و شامل ۱۱۸۰ بیتست .

(۲۸) امیر بهاء‌الدین مرغینانی از وزرا و منشیان و شعرای معروف قرن هفتم بود . از سوی پدر از خاندان شیخ الاسلام فرغانه و از سوی مادر از فرزندان طغان خان

حکمران فرغانه بود و نخست از مداحان قطب‌الدین انوشنگین خوارزمشاه بود و تا زمان ارغون خان نیز زنده ماند و عمیدالملک حبش وی را بخدمت پسر خود بیسو گماشت و وزارت بوی داد و عاقبت در سال ۶۴۹ حبش بروی بدگمان شد و او را کشت. بهاء‌الدین مرغینانی از شعرای معروف عصر خود بوده است ولی از شعر او جز اندکی باقی نمانده است.

(۲۹) سید قوام‌الدین حسین بن صدرالدین علی ذوالفقار شروانی از شعرای معروف اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود. در اوایل عمر معاصر خاقانی و فلکی و جمال‌الدین عبدالرزاق بود و در آذربایجان می‌زیست و سپس جزو مداحان اتابک یوسف شاه از اتابکان لرستان شد و بوسیله خواجه محمد تستری وزیر بدان در بار راه یافت و گویند در ۶۷۹ در تبریز رحلت کرد و در مقبره الشعرای سرخاب مدفون شد. اما چون قصیده‌ای در مدح سیورغتمش در ۶۸۳ سروده است پیدا است که تا این زمان زنده بوده و شاید در ۶۸۹ در گذشته باشد. سید ذوالفقار از بزرگان شعرای این عصر بود و در فن خویش مهارت و شهرت تام داشت و مخصوصاً در ساختن اشعار مصنوع بسیار زبردست بود و از جمله قصاید مصنوع او است قصیده‌ای با اسم «مفاتیح الکلام فی مدایح الکرام» که معروفست و در شعر ذوالفقار تخلص می‌کرد و دیوان وی شامل نه هزار بیت بدست است.

(۳۰) ملک‌رضی‌الدین بابای قزوینی از امرای محتشم قرن هفتم بسوده و بخاندان جوینیان اختصاص داشته است و باتکای ایشان به حکمرانی اربل و مسوول رسیده و از پروردگان شمس‌الدین صاحب‌دیوان بوده است و وی را مدح می‌گفته و در شعر فارسی مهارتی کامل داشته و از شعرای نامی زمان خود بشمار می‌رفته است ولی از اشعار او جز چند قصیده چیزی بدست نیست.

(۳۱) شیخ سیف‌الدین ابوالمعالی سعید بن مظفر فامندی باخرزی ملقب بشیخ‌العالم و معروف بسیف‌الدین صوفی متولد در ۵۸۶ از بزرگان مشایخ اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران و از شاگردان نجم‌الدین کبری بوده و پس از شهادت وی در

فتنه مغول از خوارزم به ماوراءالنهر رفته و باز مانده عمر خود را در آن دیار گذرانده و از بزرگان عرفای خراسان بشمار می رفته و در بهار در شب یکشنبه ۲۴ ذی القعدة ۶۵۹ رحلت کرده است. وی در شعر فارسی نیز زبردست بوده و رباعیات معروفی سروده است که بعضی از آنها باقیست و رساله‌ای در عشق نوشته است.

(۳۲) سعدالدین سعید نهروی از شعرای معروف دربار مغول و نخست مداح خواجه عزالدین ظاهر فریومدی و وزیر خراسان بوده و سپس بدربار مغول راه یافته و مداح غازیان خان و البایتو بوده و تا سال ۷۱۶ که البایتو در گذشته نیز زنده بوده است و در ضمن بنخواجه زشیدالدین فضل الله وزیر اختصاص داشته و زمانی در اصفهان زیسته و هم اتایک نصره الدین احمد از اتایکان لرستان را مدح گفته است و در ۷۶۶ در گذشته و قصایدی بسبک شعرای عراق در منتهای خوبی می سروده ولی دیوان وی بدست نیست و از اشعار او چند قصیده مانده است.

(۳۳) شهاب الدین بن جمال الدین بداونی معروف بشهاب هممره از مردم بداون در هندوستان بوده و از شعرای بسیار معروف آن دیار بشمار می رفته و شاعر دربار رکن الدین فیروز بن شمس الدین التتمش معروف بفریر و شاه (۶۳۳ - ۶۳۴) بوده است و در دربار این سلسله در دهلی زندگی می کرده و در شعر شهاب تخلص می کرده و قصیده را بسبک شعرای خراسان نیکو می سروده ولی از اشعار او جز اندکی نمانده است.

(۳۴) خواجه حکیم عمده الملك یا فخر الملك عمید الدین لوبکی از مردم قصبه لوبک از توابع سنام در هندوستان بوده و در سال ۶۰۱ ولادت یافته و تا سن ۶۰ سالگی نیز زنده بوده یعنی تا ۶۶۱ هم زیسته است و برخی رحلت او را در سال ۶۸۳ آورده اند و در زمان سلطان نصیر الدین محمد بن بلبن معروف بخان شهید و مشهور بقا آن ملک شغل مشرفی داشته است و پس از آن چندی در بند افتاده و نیز مداح ناصر الدین محمود شاه (۶۴۴ - ۶۶۴) از سلاطین دهلی بوده است و عاقبت در همان ناحیه سنام در گذشت و همانجا مدفون شد. وی نیز از شعرای بسیار معروف هندوستان بود و اشعار وی را در فرهنگها بشاهد لغات بسیار آورده اند و قصیده را بسبک شعرای آذربایجان نیکو می سروده و در شعر عمید تخلص می کرد ولی دیوان وی نمانده و

بعضی از قصاید او بدست است .

(۳۵) ناصرالدین بجهای معروف بناصر شیرازی از غزل سرایان معروف قرن هفتم و از معاصرین سعدی بود. اصل وی از بجه بود که قصبه‌ای بود از متعلقات رامجرد در میان فارس و اصفهان باشد ولی بیشتر در شیراز می‌زیست و از احوال وی جزین چیزی بدست نیست . غزل عاشقانه را بسبک شعرای عراق و فارس در منتهای خوبی می‌سروده و درین فن بسیار شهرت داشته است ولی از غزلیات او جز اندکی چیزی نمانده است .

(۳۶) فخری غواصی از شعرای هندوستان درین زمان بوده ولی از زندگی او چیزی معلوم نیست بجز آنکه در دربار علاءالدین خلجی (۶۹۵-۷۱۶) می‌زیسته و فرهنگ نامه را بنام وی نظم کرده است .

(۳۷) لطیف‌الدین احمد بن محمد بن احمد بن محمد کلامی اصفهانی از شاعران این شهر و ساکن محله در دشت بوده و از مداحان پادشاهان و بزرگان دربار مغول بشمار می‌رفته، از احوال وی جزین اطلاعی نیست که کتابی شامل منتخب اشعار فارسی بنام مونس الاحرار فی دقایق الاشعار گرد آورده که در روز پنجشنبه اول ربیع الآخر ۷۰۲ پیایان رسانیده و برخی اشعار خود را در آن آورده است و این کتاب را بعدها محمد بن بدر جاجرمی بهمین اسم بنام خود کرده و اشعار وی را از آن حذف کرده و برخی از سخنان خود را در آن جای داده است .

(۳۸) جمال‌الدین خلیل شروانی از شاعران آذربایجان درین دوره بوده و تنها اثری که از او هست مجموعه ایست از رباعیات بعنوان نزهة المجالس که بنام شروانشاه علاءالدین فربرز (۶۲۲ - ۶۴۹) گرد آورده و برخی از اشعار خود را نیز در آن جای داده است .

(۳۹) نجم‌الدین ابوبکر محمد بن مودود ظاهری معروف بنجم‌الدین زرکوب از بزرگان عرفای قرن هفتم آذربایجان بود و از دانشمندان بزرگ شهر تبریز بشمار می‌رفت و از مریدان سعدالدین حموی بود و در ۶۴۰ که سعدالدین تبریز رفته و نه‌ماه



در آن شهر مانده وی را مجذوب خود کرده است و خواجه رشید الدین فضل الله وزیر معروف باو بسیار احترام می کرده است. سرانجام در ۱۵ رجب ۷۱۲ درگذشته و مرقد وی در گورستان کجیل تبریز تا مدت ها معروف بوده است. نجم الدین زرکوب از شاعران متصوف زیر دست زمان خود بوده و اشعار صوفیانه را بسیار شیوا می سروده که برخی از آنها بدستست و در تصوف مؤلفاتی داشته است از آن جمله رساله ای در بیان فتوت بفارسی بنام کتاب الفتوه.

(۴۰) ناصر نیز از شاعران قرن هفتم بوده و تنها اثری که از وهست فتوت نامه منظوم است تقریباً در ۷۰۰ بیت بر وزن شیرین و فرهاد وحشی که در ۶۸۹ پایان رسانیده است و شاید وی همان ناصر بجه ای سابق الذکر باشد.



در قرن هفتم چند تن شاعر در آذربایجان و اران بوده اند که در تذکره ها و کتابهای رایج ذکری از ایشان نیست و تنها جمال الدین خلیل شروانی در کتاب نزهة المجالس سابق الذکر برخی رباعیات از ایشان نقل کرده است و نامهای ایشان بدین قرار است: ابن طلحه، ابوالفضل تبریزی، قاضی ابوالماجد، افضل اسفراینی، الیاس گنجه، الیاس میدانی، بانجیب عمر، بختیار شروانی، بدر تفلیسی، بدر قوامی، بدر مجرمی، بدیع یلقانی، برادر یحیی، برهان الدین حسین، شیخ برهان الدین گنجه، بهاء شروانی، بهاء لاغری، پسر افضل، پسر حافظ، ابوالبقا، ابوشرف، پسر سلسله گنجه، پسر قاضی دربند، پسر قاضی قزوین، تاج الدین اشنوی، تاج الدین بخاری، تاج جیلانی، تاج زنگانی، تاج خالطی، تاج صالح، تاج قراسی قزوینی، تاج کاشی، تفلیسی شروانی، قاضی جمال الدین، جمال الملک، جمال بخاری، جمال چاچ، جمال حاجی شروانی، جمال خجندی، جمال خوبی، جمال سرخسی، جمال سقا، جمال عصفوری، جمال عمر، جمال غزنوی، حاجی جمال گنجه، جمال مجددی، جمال محمد، جمال محوی، جمال ملکشاه، جنید گنجه، جهان گشته، حدیثی، شیخ حسین سقا، حسین هزارمرد، حمید پسر رشید گنجه، حمید تبریزی، خطیر

ابو زید ، خطیر جربادقانی ، خلیل خراسانی ، خوفی ، راصد زنگانی ، رشید بیلقانی ،  
 رشید خواری ، رشید شروانی ، رشید گنجه ، رشید بروی ، امام رضی ، رضی گنجه ،  
 رکن پسر قاضی ، رکن خوبی ، ریسی ، زاهد ، زکی اکاف ، زکی کاشغری ، ساوی ،  
 موفق السراج ، سراج اسد آبادی ، سعد عد گنجه ، سعد سمرقندی ، سعد صفار ، سعد  
 گنجه ، سعید شروانی ، سعید گیلانی ، سلیمان شاه ایده ، سماوی ، سید اجل ، سید  
 بخاری ، سید شیرازی ، سید غزنوی ، سید قزوینی ، سیف الدین هارون تفلیسی ،  
 سیفی ، شرف الدین مرتضی ، شرف اعرج ، شرف بیلقانی ، شرف جربادقانی ، شرف  
 ساوی ، شرف صالح ، شرف محمد ، شرف مراغی ، شروانشاه ، شمس اسعد گنجه ،  
 قاضی شمس الدین اقطع ، شمس الدین الیاس میدانی ، شمس الدین مسعود ، شمس  
 الدین هروی ، شمس اهری ، شمس عمر گنجه ، شمس نجماشی ، شهاب اسفراینی ،  
 شهاب خواری ، شهاب دفتر خوان ، شهاب سرخسی ، شهاب کاغذی ، شهاب مؤید ، شهریار  
 روزنی ، شیخ کرمانی ، صالح بیلقانی ، صانعی ، صابن مراغی ، صدر الشریعه ، صدر خجندی ،  
 صدر زنگانی ، صدر کرمانی ، صدر لر بختیاری ، صدر مذهب الدین ، صفی بیلقانی ،  
 صفی جربادقانی ، صفی شروانی ، ظهیر الدین راصد ، ظهیر خو ، نجمی ، ظهیر طوسی ، عبدالرحمن ،  
 عبدالعزیز گنجه ، عبدالله قسری ، شیخ عبده ، عثمان مراغه ، عز اصفهانی ، عز الدین شهری ،  
 عز الدین شروانی ، عزیز شقروه ، عزیز الدین شروانی ، عزیز بوالبقا ، عزیز علی شروانی ،  
 عزیز کمال ، عضدی ، ملک علاء الدین ، علاء الدین خواری ، علاء الدین کهود جامه ،  
 علی بن الحسین ، علی حسن ، علی شروانی ، علیشیر خراسانی ، عماد الشرف ، عماد  
 بورسی ، عماد دبیر ، عماد شروانی ، عماد فارسی ، عماد گنجه ، عماد محمود ، امیر عمر  
 گنجه ، عیانی گنجه ، ملک فخر الدین ، فخر الدین ابوبکر ابهری ، فخر الدین مستوفی ،  
 فخر عبد المجید ، فخر غوری ، فخر قتلغ ، فخر گنجه ، فخر مراغه ، فخر نقاش ، فخر  
 هروی ، فرید خواری ، فرید دبیر ، قاضی تفلیسی ، قاضی مراغه ، قراچه ، قطب  
 اهری ، کریم طوسی ، کریم نیشابوری ، قاضی کمال ، کمال ابن العزیز ، کمال اسعد  
 زیاد ، کمال الاسلام خجندی ، کمال الدین ابو عمر ابهری ، کمال تفلیسی ، کمال کامیار ،

کمال کمال ، کمال کنعانی ، قاضی کمال مراغه ، لطیف تفریسی ، لؤلؤ سمرقندی ،  
 مالو قزوینی (۴) ، قاضی مجدد الدین بابکر ، مجدد تاییدی ، مجدد زندگی ، مجدد طالع ،  
 مجدد طایبی ، مجدد علوی ، مجدد گیلابی ، محفوظ جرفادقانی ، محمد اردبیلی ، محمد  
 طیب اردبیلی ، سلطان محمد معین ، سید محمود ، مختصر گنجه ، سید مرتضی ، مشرف ،  
 مظفر تبریزی ، معین الدین بختیار ، معین طنطرائی ، مقرب باکو ، موفق الدین سراج ،  
 موفق عبدالجلیل ، مهذب شروانی ، مهذب کرخی ، مهذب نیشابوری ، ناصر ، قاضی  
 نجم ، نجم الدین حمید سیمگر ، نجم الدین عبدالعزیز ، نجم طرفی (۵) ، نجم گنجه ،  
 نجیب ترمذی ، نصیر گنجه ، نظامی بخساری ، نفیس شروانی ، نورید والی ، یحیی  
 تبریزی ، پمین سبط اصفهانی ، فقیه یوسف . در میان ایشان اشعار هفت زن نیز  
 هست بدین گونه : دختر حکیم کاو ، دختر خطیب گنجه ، دختر سالار ، دختر مستی ،  
 دختر سنجستانی ، رضیه گنجه ، فاضله سمرقندیه .



گذشته از شعرای معروف این قرن که ذکر ایشان گذشت در قرن هفتم يك عده  
 کثیر شعرای دیگر نیز بوده اند . در میان سلسله های جزء که در ایران شهر یاری داشته اند  
 شعر فارسی رواج بسیار داشته و حتی بعضی از امرای ایرانی در آن زمان شعر می سروده اند  
 از آن جمله در سلسله آل کورت که پادشاهان سیستان بوده اند چند تن از امرای در شعر  
 فارسی معروف بوده اند و از هر يك از ایشان اشعاری مانده است بدین قرار : ملك  
 شمس الدین محمد بن ابی بکر کورت ( ۶۴۳ - ۶۷۶ ) ، غیاث الدین محمد بن فخر الدین  
 ( ۷۰۶ - ۷۲۹ ) ، فخر الدین علی بن رکن الدین ( ۷۰۵ - ۷۰۶ ) و علاء الدین و فخر الدین محمد  
 کورت از شاهزادگان این سلسله . اما یکان فارس نیز بشعر فارسی شوق مفرط داشته اند  
 و گذشته از آنکه شعرای بسیار را پرورش داده اند خود نیز شعر می سروده اند و از چند  
 تن از ایشان اشعاری مانده است از آن جمله از سلجوق شاه بن سلغر ( ۶۶۱ - ۶۶۲ ) و از  
 سلغر شاه بن سعد بن زندگی برادر اتابک ابوبکر . از هلوک شهبانکاره ملك مظفر الدین  
 محمد بن مبارز ( ۶۲۴ - ۶۵۸ ) نیز شعر فارسی سروده است . از پادشاهان قراختایی کرمان

نیز از صفوة الدين يادشاه خاتون (۶۰۱ - ۶۹۴) هم شعر فارسی مانده است. امرای دیگر در پرورش شعر جدی کرده‌اند از آن جمله اسپهبدشاه نصره‌الدین کبودجامه امیر گران که در ۶۸۹ کشته شده است و شهاب‌الدین سلیمان شاه بن پرچم ایوایی از امرای کرد، از وزرای این زمان نیز بجز کسانی که ذکر ایشان گذشت مجد الملک بن صفی‌الملک ابوالمکارم یزدی وزیر ابقاخان مقتول در چهارشنبه ۸ جمادی الاولی ۶۸۳ و خواجه شرف‌الدین هارون جوینی پسر شمس‌الدین صاصب‌دیوان امیر بغداد مقتول در جمادی‌الآخره ۶۸۵ شعر فارسی سروده‌اند.

اما شعرای درجه دوم قرن هفتم که از احوال بیشتر ایشان اطلاع درستی نیست و از هر يك چندیت مانده است بدین قرارند: حکیم ابوبکر بن محمد واعظی بلخی، امام‌الدین ابوالقاسم بن ابوسعید رافعی قزوینی (متوفی در ۶۳۳)، شاه‌زین‌العباد یازین-العبادین عابد بیرمی لاری معروف بشاه زنده، مظهر گجراتی معروف بمظهر هندی، رضی‌الدین علی‌لالای غزنوی (متوفی در ۶۴۲)، نجیب‌الدین ابوسعید علی بن بزغش شیرازی (متوفی در شعبان ۶۲۸)، اصیل‌الدین زوزنی، ابن موفق قمی، فخر‌الدین بن معین معروف بابن معین، ابن زنگی شیرازی، افتخار‌الدین دامغانی، شاهفور اشهری نیشابوری (متوفی در ۶۴۵)، ابوالمحاسن (متوفی در ۶۳۵)، منوچهر بن شرفشاه معروف بابن شرفشاه، ابونصر مهنه، مسعود بن نصرتی معروف بابن نصرتی، ابن علاء، ابن خیام، جلال‌الدین بن حسام سرخسی معروف بابن حسام، زین‌العبادین علی فقیه معروف بابن فقیه، ابن عطار شیرازی، نجیشی از وزرای فارس، قاضی بهاء‌الدین زنجانی، بدیع‌الدین شیرازی، بدیع‌الدین فارسی، خواجه بدرالدین دامغانی، بهاء‌الدین خجندی، بهاء‌الدین یزدی، بدیعی کرمانی، بدیعی طوسی، شیخ‌عزالدین اسفراینی معروف بیورحسن، تاج‌الدین ابوالقاسم، تاج‌الدین بخاری، مجدالدین ترمذی، تاج‌الدین کرمانی، تاج‌الدین زکی، جلال‌الدین محمودشاه، سیدجلال‌الدین جعفری، جمال‌الدین اشهری، جلال‌الدین شاه‌هروی، جمال‌الدین سمرقندی، جلال تبریزی، جمال‌الدین بی‌بصر، جلال‌الدین دهستانی، جمالی سمرقندی، جمال‌الدین

همدانی ، جمال‌الدین منشی ، جلال‌الدین اسکندر ، حاجی احمد بخاری ، سید حسن  
 نیشابوری ، حمید‌الدین کازرونی ، امیر حسن ترکمیر ، حدادی ، خلیل شیرازی ،  
 امام خالد ، خرمشاه کرمانی ، خازن ، امیر خسرو شاه هروی ، شرف‌الدین خضر یزدی ،  
 امیر رکن‌الدین میرآب ، رفیقی ، رفیع‌الدین ابهری ، رکن‌الدین قباھی ، رکنی ،  
 زیری ، زین‌الدین لسانی ، زوزنی ، سنایی رواسی ، سعد‌الدین ساوجی ، سعد‌الدین  
 احمد عزیز ، سیف‌الدین هروی ، سعد سعید نیشابوری ، سعد‌الدین وراق ، سیف -  
 السدین سمرقندی ، سعد‌الدین خلیفه ، سردوز ، سراج‌الدین حسن شیرازی ،  
 صدید‌الدین اعور کرماج ، سعد‌الدین محمد بن مؤید بن حسن بن محمد بن  
 حمویه حموی جوینی (متوفی در عید اضحی ۶۵۰) ، سلیمان شاه بن تیمور ملک ، سعد‌الدین  
 نظمنزی ، شرف‌الدین فضل‌الله قزوینی ، شمس‌الدین عبدالکریم ابرقوهی ، شمس‌الدین  
 محمد خوجانی ، شمس اوحدی ، شهاب‌الدین خجندی ، شمس‌الدین سمرقندی ،  
 صابری ، صدر‌الدین ابهری ، صدر نظامی یا صدر نظام ، عبدالقادر نایینی پاریسی ،  
 عبدالرحمن حموی ، عز‌الدین علوی ، اوحد‌الدین عبدالله بن ضیاء‌الدین مسعود بلیانی  
 کازرونی (متوفی در ۶۷۳ یا ۶۸۳) ، قطب‌الدین عتیقی ، صدر علی شمس‌الکرجی ،  
 عز‌الدین بابویه ، عماد‌الدین یوسف لرفضالوی ، عباد دامغانی ، عبدالکافی ، عده تبریزی ،  
 عماد‌الدین اکرم ، امیر عز‌الدین یحیی ، خواجه عالم سمرقندی ، عزیز‌الدین ، عماد‌الدین  
 حروفی ، فخر‌الدین قلانسی ، فخر‌الدین گیلاتی ، فتح بلخی ، فصیح‌الدین ، قساری ،  
 قاضی عثمان ماکی قزوینی ، قمصری ، قطبی ، قتلوبغا ، کمال‌الدین زنجانی ،  
 کمال‌الدین ابرقوهی ، گسیل خراط ، گیتی شاه ، محمود منور ، خواجه مؤید مهنه ،  
 منبری ، شرف‌الدین ملکی ، خواجه معین‌الدین حسن سکزی معروف بپشتی ،  
 مجیر‌الدین دامغانی ، محمود خطاط ، مرشد‌الدین قاضی ، مجد‌الدین طبیب کاشی ،  
 مطلعی ، موفق‌الدین یحیی ، نجم‌الدین منجم ، ناصر کاشانی ، ناصحی ، نظام‌الدین یحیی ،  
 نجم‌الدین کاتب ، نظام‌الدین ، خواجه نصیر ادیب ، ناصر‌الدین عین‌الملک ، نور‌الدین  
 بسطامی ، سیف‌الدین هندو ، خواجه عازم‌الدین هندو ، یحیی فیروز آبادی ، یزدی .

در قرن هشتم ادبیات ایران نسبت بقرون گذشته و مخصوصاً نسبت بقرن هفتم اندکی تنزل کرد و سبب آن بود که در اواسط این قرن قدرت پادشاهان مغول ایران تخفیف یافت و سلسله های جزء که بیشتر ضعیف بودند از تجزیة ممالک ایشان فراهم آمد و انقلاب حوادث دوباره آسایش را از مردم سلب کرد و وزیرای مقتدر که در قرن پیش می زیستند و مردم را در علم و ادب تشویق میکردند درین قرن بوجود نیامدند، تنها خاندانهای بزرگی که در پرورش علما و ادبای ایران درین زمان کوشیدند نخست خاندان آل مظفر در یزد و فارس و دوم خاندان جالیر در بغداد و عراق عرب بودند، معذک درین دوره نیز نویسندگان و شعرای بزرگ در ایران بسیار بوده اند.

### ۱ - نویسندگان بزرگ

در قرن هشتم نویسندگان بزرگ ایران همان اسلوب و سبک نویسندگان قرن هفتم را دنبال کرده اند و هم سبک روان فصیح و سیلس مورخین دوره گذشته و هم سبک مغلق بعضی از نویسندگان که در کثرت استعمال لغت عرب مبالغه می کرده اند هر دو رواج داشته است. فقط تفاوت محسوسی که درین دوره دیده میشود اینست که عرفان و تصوف از آن رواج و تداولی که در قرن گذشته داشت افتاده و بهمین جهت آثار بسیار بشر فارسی از عرفای ایران درین دوره پدیدار نشده است. نویسندگان بزرگ این قرن بدین قرار بوده اند:

۱) محمد بن علی بن محمد شبانکاره ای از نویسندگان بسیار زبردست قرن هشتم بود و در انشای فصیح روان بسبک نویسندگان بزرگ قرن پنجم و ششم کمتر در ایران نظیر داشت و در ضمن از شعرای زمان محسوب می شد و از مداحان خواجه غیاث الدین بسره رشید الدین فضل الله بود و در حدود ۶۹۷ در یکی از محال شبانکاره ولادت یافت و تمام عمر خود را در نویسندگی و شاعری گذراند و در سال ۷۳۳ بتألیف تاریخ عمومی پرداخت و آنرا در سال ۷۳۵ با تمام رسانید و بخواجه غیاث الدین تقدیم کرد که از نظر ابوسعید آخرین پادشاه مغول بگذراند ولی پیش از آنکه این کتاب بنظر او برسد

در گذشت و این کتاب در همان اوان در ضمن غارت محله ربع رشیدی بتبریز از میان رفت و شبانکاره‌ای یازدیگر کتاب خود را از نو تألیف کرد و آنرا مجمع الانساب نامید و در سال ۷۳۵ با تمام رسانید. نخست کتاب کوچکتری ترتیب داد و سپس آنرا تکمیل کرد و هر دو نسخه آن بدستت و کتابیست در منتهای حسن انشاء و انسجام، شامل تاریخ عالم از آغاز تا آخر پادشاهی ابوسعید که در ضمن تاریخ بعضی از سلسله‌های جزء را دارد که در کتب دیگر نیست.

(۲) معین الدین آوی جوینی از عرفا و نویسندگان قرن هشتم بود که تا اواخر این قرن هم می زیست و از شاگردان سعدالدین یوسف بن ابراهیم حموی جوینی عارف مشهور بود و در زمان خود شهرت بسیار داشت و از او دو کتاب معروف مانده است یکی نگارستان که یکی از نخستین تقلیدهای نگارستان سعدیست و آنرا در هفت باب بسال ۷۳۵ تمام کرده است و اگر چه از حیث انشاء بیای سعیدی نمی رسد ولی دارای فواید تاریخی بسیارست و دیگر کتاب احسن القصص که در شرح سوره یوسف و داستان یوسف و زلیخا نوشته است.

(۳) شمس الدین محمد بن محمود آملی از علمای شیعه و از مدرسین مدرسه سلطانیه در زمان الحایقو بود و پیوسته با علمای تسنن در معارضه بود از آن جمله با قاضی عضدالدین ایجی و تا اواخر قرن هشتم هم زنده بود و سفرهای بسیار کرد و در ضمن چون در زبان فارسی و عربی مهارت داشت بهر دو زبان تألیفات کرده است، از جمله مؤلفات مشهور او در زبان عرب شرح کلیات قانون ابن سیناست که در ۷۵۳ تمام کرده و شرحی بر مختصر الاصول ابن حاجب که قاضی عضدالدین ایجی بمذاق اهل تسنن شرح کرده بود و وی بمذاق شیعه شرح نوشته و در آن عقاید قاضی عضدالدین را رد کرده است. در فارسی تألیف بسیار معروفی دارد باسم نفایس الفنون فی عرایس العیون که شامل تمام علوم متداول و معروف آن زمانست و در سال ۷۳۶ شروع کرده و بعد از ۷۴۲ با تمام رسانیده و بنام شاه شیخ ابواسحق اینجوپرداخته است.

۴) هندو شاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی کیرانی نخجوانی از نویسندگان

زبردست قرن هشتم و از منشیان دربار مغول بود و در زمان وزارت صاحب دیوان جوینی وی و برادرش امیر سیف الدین محمود از عمال دیوان بودند و از آن جمله هندو شاه در ۶۷۴ بنیابت از جانب برادر حکومت کاشان داشت و در اواخر عمر پدر بار نصره الدین احمد بن یوسف شاه بن شمس الدین البارغون بن نصر الدین هزاراسب (متوفی در ۷۳۰ یا ۷۳۳) از اتابکان لرستان رفته و کتاب منیه الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء معروف بالفخری تألیف صفی الدین محمد بن علی العلوی ابن الطقطقی را باسم تجارب السلف در سال ۷۲۴ ترجمه کرده است و ازین قرار تا اواسط قرن هشتم زنده بوده و این کتاب او یکی از بهترین نمونه های نثر فصیح منشیان قرن هشتم و از بهترین کتابهای فارسیست.

۵) محمد بن هندو شاه منشی نخجوان معروف بشمس منشی پسر هندو شاه

سابق الذکر بود و در زمان وزارت خواجه غیاث الدین محمد بن رشید الدین فضل الله بوی پیوستگی داشته و سپس در دربار سلطان معز الدین اویس بهادر خان ایلخانان (۷۵۷ - ۷۷۷) راه یافته است و وی مانند پدر منشی زبردست بوده است و در کتاب معروف از زمانده یکی صحاح العجم در لغت فارسی که باسم خواجه غیاث الدین تمام کرده و دیگر دستور الکاتب فی تعیین المراتب در فن انشاء و وظائف منشیان که بنا بر دستور غیاث الدین آغاز کرده ولی در عهد سلطان اویس پایان رسانیده است.

۶) معین الدین علی بن جلال الدین محمد معلم یزدی از علمای حدیث و از

معاریف زمان امیر مبارز الدین محمد و پسرش شاه شجاع آل مظفر بود. پدرش از عمال شیخ ابواسحاق و وی از شاگردان عضد الدین عبدالرحمن بود و در سال ۷۵۵ امیر مبارز الدین محمد او را بمدرسی در السیاده میبرد گماشت و چنان در دولت این خاندان معزز بود که شاه شجاع در درس او حاضر می شد و گاهی نیز مأموریت دیوانی یافته چنانکه در ۷۶۰ واسطه میان شاه شجاع و برادرش شاه محمود شد و ایشان را صلح داد و در ۷۸۹ رحلت یافت و در مسجدی که خود در بزد ساخته بود مدفون شد. وی هولف کتابیست باسم مواهب الهیه در تاریخ آل مظفر که در سال ۷۵۷ چند جزء آنرا



ترتیب داده و نزدیک اصفهان بر امیر مبارزالدین و شاه شجاع خوانده و سپس آنرا در سال ۷۶۶ یک سال پس از فوت مبارزالدین تمام کرده است. این کتاب در نهایت استادی نوشته شده ولی از فرط تکلف و کثرت استعمال لغت عرب بسیار ثقیل افتاده است و درین نوع یکی از کتب برجسته است و بهمین جهت در سال ۸۲۳ محمود گیتی یا کتبی آن را ساده کرده و دنباله و قایع را تا انقراض سلسله آل مظفر بر آن افزوده است. دیگر از آثار وی ترجمه فارسی رشف النصائح الایمانیه فی کشف الفضائح الیونانیة شهاب الدین سهروردیست.

۷) ضیاءالدین نخشبی از نویسندگان و حکیمان عارف مشرب قرن هشتم بود که در هندوستان در شهر بداون می زیست و روزگار را بزهده و عبادت می گذراند و بسال ۷۵۱ در گذشت و درین میان در دربار پادشاهان خلجی هندوستان و مخصوصاً مبارکشاه خلج (۷۱۷ - ۷۲۱) راه داشته است. وی مؤلف یک سلسله کتابهای نظم و نثر فارسیست که اغلب آنها معروفست: طوطی نامه که از زبان سنسکریت در سال ۷۳۰ بفارسی نقل کرده و آن کتاب را پس از وی محمد غدیری تهذیب کرده است و از کتابهای معروف قصص بزبان فارسیست که بزبانهای اروپایی ترجمه شده است. دیگر از مؤلفات اوسلک السلوک، جزئیات و کلیات، عشره مبشره، داستان معصوم شاه معروف بگلریز و لذت النساء است. وی شعر فارسی نیز می گفته و در کتابهای خود اغلب اشعار خویش را آورده است و در شعر نخشبی یا ضیاء نخشبی تخلص کرده است.

۸) ضیاءالدین بن مؤیدالملک رجب برنی از مورخین و نویسندگان زبر دست هندوستانست که او را بیهقی هندوستان نامیده اند. وی در سال ۶۸۴ ولادت یافته و از مریدان نظام الدین اولیا و معاشرین خسرو دهلوی و حسن دهلوی بود و در دستگاه سلطان محمد از پادشاهان تغلقی هند (۷۲۵ - ۷۵۲) می زیست و سپس بدربارجلال الدین فیروزشاه (۷۵۲ - ۷۹۰) رامیافت. از وی سه کتاب مانده است: یکی تاریخ فیروز شاهی که در ۷۵۸ تألیف کرده و وقایع سال ۶۴۴ بعد رادر آن آورده و از مشهودات

پدرش و پدر مادرش حسام‌الدین نقل کرده است و دیگر اخبار برمکیان که از کتاب عربی ابوالقاسم محمد طایفی ترجمه کرد است. دیگر فتوحات فیروز شاهی که پس از تألیف تاریخ فیروزشاهی بانجام رسانیده است.

۹) شمس‌الدین بن سراج الدین بن عقیف الدین معروف بشمس سراج عقیف وی نیز از مورخین و نویسندگان زبر دست در بار فیروز شاه سابق الذکر بود تاریخ فیروز شاهی او که پس از تاریخ ضیاء الدین برنسی تألیف یافته در سال ۸۰۱ تمام شده

۱۰) درویش توکلی بن اسمعیل بن حاجی توکلی اردبیلی معروف باین بز از نویسندگان زبردست این قرن بود و در حلقه مریدان صدرالدین موسی پسر شیخ صفی‌الدین اردبیلی عارف مشهور این قرن میزیست که از ۷۳۵ تا ۷۹۴ زیسته و جانشین پدر بوده است و بهمین جهت کتابی در احوال صفی‌الدین اردبیلی باسم اسس المواهب السنیة فی مناقب الصوفیة معروف بصفوة الصفا نوشته که علاوه بر احوال شیخ صفی‌الدین مطالب بسیار مفید در طرز زندگی مردم اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم آذربایجان در آن هست و با انشای بسیار فصیح بسبک نویسندگان قرون پیش نوشته است و در زمان شاه طهماسب اول صفوی ابوالفتح حسینی آن کتاب را اصلاح کرده و نسخه جدیدی از آن منتشر ساخته است.

۱۱) حسین بن اسعد دهستانی الویری از نویسندگان زبر دست خراسان بود و کتاب فرج بعد الشدة الضیقه تألیف ابوالحسن علی بن محمد مدائنی را بنام عزالدین بن طاهر زنگی فریومدی که از جانب ارغون خان در خراسان و مازندران نیابت داشته است بفارسی بسیار روان و شیوا ترجمه کرده است.

۱۲) فیخرالدین ابوالعباس احمد بن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی ملقب بمعین از نویسندگان مقتدر قرن هشتم بود و در زمان شاه شیخ ابو اسحق اینجور در شیراز میزیست و پس از سفر حج در سال ۷۴۴ کتابی در ذکر مشاهد شیراز و بزرگان این شهر پرداخته است باسم شیرازنامه که از حیث وقایع تاریخی چندان دقیق و معتبر

نیست و مأخوذ از اسناد سست ولی از حیث انشاء در نهایت خوبیست و وی کتاب دیگری داشته است در وقایع سلطنت ابو اسحق اینجو در دو مجلد که از میان رفته است .

(۱۳) **اولاء الله آملی** از علمای مازندران بود که در زمان ابوالمعالی فخرالدوله شاه غازی بن زیار بن کیخسرو استندار ملک مازندران میزیست و با این پادشاه روابط داشت بهمین جهت بفرمان وی کتابی پرداخته است باسم تاریخ رویان که تا وقایع سال ۸۰۵ را در بردارد و گذشته از آنکه مطالب تاریخی تازه در آن بسیارست بانشای بسیار متین و فصیح نوشته شده است .

(۱۴) **محمد بن محمد بن عبدالله بن نظام حمینی یزدی وزیر** از منشیان دانشمند این زمان بوده و مؤلف کتابیست باسم العراضه فی حکایات السلجوقیه در تاریخ سلجوقیان که مطالب آن را از کتابهای دیگر برداشته و حتی ذکری از مآخذ خود نکرده است و در ضمن انشای آن بواسطه کثرت استعمال لغات عرب و تکلف بيمورد بسیار ثقیلست و در عداد همان کتابهایست که از سیاق زبان فارسی خارجست .

(۱۵) **شرفالدین حسن بن محمد راهی تبریزی** از شعرای معروف اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بود . در اوایل عمر در مراغه بخدمت خواجه نصیرالدین طوسی رسیده و سپس تا زمان سلطان اویس بهادرخان ایلیخانی (۷۵۷ - ۷۷۶) نیز زنده بود و بدو پیوستگی داشته و بنام وی دو کتاب تألیف کرده است یکی کتابی که در منتهای شهرتست باسم انیس العشاق در تشبیهات شعرای ایران که کتاب بسیار شیواییست و دیگر حدایق الحقایق در شرح حدایق السحر رشیدالدین وطواط .

(۱۶) **سید نورالدین نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن کمال الدین یحیی کوه بنانی کرمانی معروف بشاه ولی** موسس مشهور سلسله نعمت اللهی ، یکی از بزرگترین عرفای ایران و بزرگترین متصوف قرن هشتم بود . پدرانش در شهر حلب ساکن بودند و پدرش بکیج و مکران آمد و بواسطه وصلتی که با امرای شبانکاره کرد در کوه بنان کرمان متوقف شد و شاه ولی در آنجا روز پنجشنبه ۲۲ رجب ۷۳۱

متولد شد و در جوانی نزد يك شيخ ركن الدين شيرازى و شيخ شمس الدين مكى و سيد جلال الدين خوارزمى و قاضى عضدالدين ادبيات و كلام و حكمت الهى و فقه را دريافت و سپس در سلك تصوف درآمد و بطريقه قادري داخل شد و پس از آن سفرهاى بسيار بمصر و ديوار مغرب و مكه و مدينه و بلخ و ماوراءالنهر كرد و بگونه بنان بازآمد و سپس بكرمان رفت و در قصبه ماهان چندی مقيم شد و خانقاهى در آنجا ترتيب داد و سپس سفرى بشيراز كرد و باز بخانقاه كوه بنان بازگشت و در آنجا در روز پنجشنبه بيست و دوم رجب ۸۳۴ در سن صد و سه سالگى در گذشت و در آنجا مدفون شد و اينك مرقىوى زيارتگاه معروف است . شاه نعمه الله ولى يكى از مردان نامى و نادر ايران بود و در زمان خویش نفوذ عجيبي داشت و شهرت وى سراسر ممالك اسلام را فرا گرفته بود و كرامات بسيارى از وى نقل کرده اند و مقام وى تا كنون كمتر كسى رادست داده است . در نظم و نثر فارسى آثار وى بحدىست كه از طاقت مردم ديگر خارج است . ديوان اشعار وى كه قصايد و غزليات و اقسام مختلف شعر بمذاق اهل تصوفست حاوى نزديك يازده هزار بيت است و رسايل عديده بفارسى و عربى در طريقه تصوف و سير و سلوك و اخلاق و معارف و حكم نوشته است كه معروفترين آنها بدین قرار است : رساله اصطلاحات ، رساله قل هو الله احد ، مكاشفات ، تعريفات ، آداب خلوت ، مراتب ، برزخ ، حروب مقطعات قرآنى ، رساله در بودن حقيقت انسان مظهر الهى ، تحقيقات موسوم بلطائف التصوف ، رساله ذوق ، رساله ها ، رساله ديگر در ذوق ، شرح سؤال كميل از حقيقت ، مراتب و جون ، عينيه ، رساله وجود ، رساله نصيحت سيد برهان الدين خليل الله ( پسر خود ) ، رساله نصيحت سيد نور الله ( پسر سيد خليل الله ) ، رساله نصيحت خليفه و پادشاه عصر ، رساله نكات ، رساله نسبت خرقه خود و معنى اعيان ، رساله در توكل و بعضى تحقيقات ، رساله معنى هستى و نيستى ، رساله در بيان نفس ، رساله نور و مراتب آن ، رساله در بيان حقيقت مثال و خيال مقيده و كيفيت مراتب و مقامات رويا و درجات خلق در ادراك علوم و معانى ، رساله نفس و نكات ، ذوقيات ، فيوضات ، مجمع الاسرار ، مجموع اللطائف يا مجمع اللطائف ، سلب اوصاف ، رساله فى كلام الحق للمخلق والفرق بين الوحى والالهام

والحدیث القدسی ، هدایت ، رساله معنی الفقر فخری و کذا فقران یكون کفراً الهامات ،  
 سر اسماء غیر متناهی و حروف متناهی ، رساله بیان اقطاب ، رساله اتمام ، رساله حروف  
 و روح ، اصطلاحات صوفیه ، سلوک ، نوریه ، محبت نامه ، نصیحت نامه ، نصیحت نامه  
 دیگر ، تحقیق المراتب الالهیه ، خلوت ، خلیفه ، آفاق و انفس ، بیان خوش ، مفتاح الابواب ،  
 رساله بیان علم توحید ، اسماء کونیه ، شرح اصطلاحات و سیط شیخ کمال المله و الدین  
 بطریق ابجد ، رساله احویه ، رساله بیان حروف ، رساله حروف اصلیه ، رساله تفصیل  
 اوایل سور ، رساله در بیان عدد حروف ، رساله عیون ، رساله نفع روح آدم ، رساله  
 معرفت روح ، رساله تجلیات ، رساله البیان ، رساله روح ، شرح لمعات ، رساله بشارت  
 نامه ، رساله معرفت ، رساله نفسیه ، رساله اشارات بحسب الحروف ، رساله منشآت ،  
 رساله تفسیر الله نور السموات ، رساله نکات ، رساله سؤال و جواب ، رساله سند خرقه و  
 سؤال و جواب سلطان سکندر ، رساله سؤال و جواب امام علی حکیم ترمذی ، رساله در  
 بیان اسرار کلمه و صلوة و حج و غیره ، رساله جواب سؤال از اسم اعظم و غیره ، رساله  
 حبیبیه ، تحقیق الایمان ، رساله اسلامیه ، رساله حورائیه ، رساله حورائیه دیگر ، رساله  
 حورائیه ابو سعید ابوالخیر ، شرح فصوص ، رساله واردات ، تفسیر سوره اخلاص ، رساله  
 در بیان حقیقت انه هو الاول والاخر بعربی ، رساله در بیان تجلی بعربی ، شرح اسماء  
 الله الحسنی بعربی ، نسبت خرقه احمد شاه بهمنی ، رساله مناقب بعربی ، رساله  
 کشف الاسرار ، رساله جنانیه ، رساله برازخ ، رساله کمیلیه ، رساله اشرف الاسماء ، رساله  
 بیان کلمه طیبیه ، رساله بیان مذاهب در خلق افعال ، رساله بلوغات ، رساله توکل ،  
 رساله در کلمه سبحان الله ، رساله اشراط قیامت ، رساله در بیان سجدهات قرآن ،  
 رساله المشهوریه فی التصور و المتصور ، رساله نکات ، رساله نکات دیگر ، رساله نکات  
 عشر ، الرساله الشریفه النوریه ، رساله مکاشفه ، رساله مراتب ندیه ، رساله مراتب ، رساله  
 مراتب دیگر ، لوایح ، رساله تحقیقات ، رساله رموزات ، رساله جامع اللطایف ، رساله  
 مراتب فقر ، رساله الحقایق ، رساله بیان قلوب انسان . در نظم و نشر فارسی شاه نعمه الله  
 ولی بیان بسیار ساده و فریبنده و روان داشته است . در مناقب شاه ولی کتابهای چند

بفارسی نوشته‌اند بدین گونه: کتابی از عبدالعزیز بن شیرمملك بن محمد واعظی که بنام علاءالدین احمدشاه دوم از سلسلهٔ بهمنی دکن (۸۳۰-۸۶۲) در هند نوشته است، کتاب دیگری تألیف سدیدالدین نصرالله بن برهان‌الدین خلیل‌الله طاوسی ابرقوهی که در ۹۰۶ بدستور نواده اش نعمه‌الله ثانی نوشته است، کتاب دیگری بنام تذکره تألیف عبدالرزاق ابن عبدالکریم بن عبدالرزاق کرمانی که پس از ۹۱۱ در کرمان بدستور نعمه‌الله ثانی نوشته است، کتاب دیگری بنام سوانح الایام فی مشاهدات العوام یا سلسله العارفين تألیف صنع الله نعمه‌اللهی که پس از ۱۰۶۶ تألیف کرده است. محمد مفید مستوفی یزدی در کتابی که بنام جامع مفیدی در تاریخ یزد نوشته شده است شرح حال مفصلی از شاه ولی از روی همان کتاب صنع الله نعمت‌اللهی ترتیب داده است.

(۱۷) نجم‌الدین محمود بن صاین الدین الیاس طبیب شیرازی از بزرگان دانشمندان شیراز در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم و از خاندان معروفی بوده که دانشمندان و مخصوصاً پزشکان معروف از آن برخاسته‌اند و وی مورد توجه خاص خواجه رشیدالدین وزیر معروف بوده و در طب و فقه دست داشته و ریاست بیمارستان دروازهٔ سلم شیراز با او بوده است که بیمارستان اتابکی نیز معروف بوده و خواجه رشیدالدین آنرا تعمیر کرده و ریاست آنرا بوی داده بود. تاریخ رحلت وی را برخی در ۶۹۰ نوشته‌اند ولی پیدا است که پس از آن تا اوایل قرن هشتم تا ۷۲۰ یا ۷۳۰ زیسته است و قبر او در محلهٔ باغ نوشیراز معروف است. وی شعر فارسی را نیکو می‌سروده و بزبان فارسی و تازی مؤلفات بسیار داشته است از آن جمله: الحاوی فی علم التداوی یعربی، غیایه در طب بفارسی، مختصر در طب، لطایف الرشیدیة یا الرشیدیة، تحفة الحکماء، کتاب التشریح یا الرسالة التشریحیه، کتاب الاغذیة والاشربه، رسالة الثلجیه، اسرار النکاح، شرح الفصول البقراط، رسالة فی الباه.

(۱۸) سید شریف‌الدین علی بن محمد حسینی حنفی مگرگانی معروف بمیرسید

شریف از معارف علمای قرن هشتم بود. در قصبهٔ طاقو نزدیک استرآباد در ۷۴ ولادت یافت و بعزم تحصیل بمصر رفت و در قاهره اخذ علم کرد و پس از بازگشت بایران شاه

شجاع وی را در شیراز بمدرسی گماشت و ده سال درین مقام باقی بود تا اینکه امیر تیمور گورکان در سال ۷۸۹ شیراز را گرفت و وی را مجبور کرد بسمرقند رود و تا مرگ تیمور در سال ۸۰۷ وی در سمرقند بود و دوباره بشیراز برگشت و در آنجا بسال ۸۱۶ رحلت کرد. وی را در اکثر از علوم متداول زمان تألیفات مهم و مشهورست که بزبان عربی و فارسی پرداخته و از آن جمله است: عوامل در نحو عربی، اصول المنطقیه، شرح تحریر القواعد خواجه نصیر الدین طوسی، کتاب التعریفات یا تعریفات العلوم و تحدیدات الرسوم، مقالید العلوم فی الحدود و الرسوم، تحقیق الکلیات، مراتب الموجودات، رساله فی قواعد البحث، تقسیم العلوم، شرح مختصر الاصول عضدی، شرح مفتاح العلوم سکاکی، نظر الامانی فی مختصر الجرجانی، فن اصول الحدیث، تحریری از کتاب معروف ایساغوجی در منطق، فال السیر، ترجمان فی لغات الفهر آن از عربی بفارسی، حاشیه بر آداب البحث عضد الدین ایجی، حاشیه بر حکمة العین، شرح کافیة ابن حاجب بفارسی، شرح فرائض سراجیه سجاوندی، شرح تصور و تصدیق شمسیه، شرح تصریف عزی، حاشیه بر مطول تقنازانی، حاشیه بر شرح کافیة رضی الدین استرآبادی، حاشیه بر تفسیر کشف زمخشری، شرح موافق ضد الدین ایجی، حاشیه بر شرح تجرید، رساله در اصول دین، حاشیه بر شرح مطالع و از جمله مؤلفات او بفارسی دو کتابست در منطق یکی باسم کبری و دیگری باسم صغری و دیگر رساله‌ای در صرف افعال تازی معروف بصرف میر و دیگر فن المعما و اصوله و تصاریفه. بزبان فارسی شعر را نیز نیکو می‌سروده است.

۱۹) عبدالجلیل بن نظام الدین یحیی بن عبدالجلیل بن محمد بن عبدالیاقی یزدی از منشیان معروف زمان آل مظفر بوده و در زمان شاه شجاع ابوالفوارس (متوفی در ۷۸۶) میزیسته و مؤلف کتاب بسیار روان فصیحست باسم تواریخ آل برمک که پدرش بتألیف آن شروع کرده و ناتمام گذاشته بود و وی بیابان رسانده و در ماد محرم ۷۶۲ تمام کرده و باسم شاه شجاع پرداخته است.

۲۰) بهاء الدین محمد بن محمد بخاری نقشبند مؤسس طریقه نقشبندیه در تصوف

از عرفای بزرگ قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بود و در زمان خویش شهرت بسیار و توجه عام داشت در سال ۷۲۸ در بخارا متولد شد در دوم یا سوم ربیع الاول ۷۹۱ در آن شهر در گذشت و تمام عمر خود را در مولد خویش گذراند و در ضمن تألیفات بزبان فارسی بسیار شیوا کرده است از آن جمله رساله ایست در تصوف باسم رساله قدسیه . در مناقب بهاء الدین نقشبند چند کتاب بفارسی نوشته اند : یکی رساله قدسیه تألیف ابوالفتح محمد بن محمد ابن محمود حافظی بخاری معروف بمحمد یار سا از مشایخ طریقه نقشبندی که بدستور علاء الدین محمد بن محمد بخاری معروف بعطار پیشوای معروف این طریقه نوشته است ، دیگر کتاب انیس الطالبین و عدة السالکین تألیف همان خواجه محمد یار سا ، دیگر کتابی بهمان اسم انیس الطالبین و عدة السالکین تألیف صلاح بن مبارک بخاری ، دیگر رساله بهائیه تألیف ابوالقاسم بن محمد بن المسعود ، دیگر کتابی تألیف ابوالمحسن محمد باقر بن محمد و دیگر کتابی که پس ازین ذکر آن خواهد آمد که آن هم انیس الطالبین نام دارد ، دیگر جامع المقامات تألیف ابوالبقاء ابن عالی که در محرم ۲۶۰۰ بیان رسانیده است .

(۲۱) **خواجه حسام الدین یوسف حافظ بخاری** از شاگردان بهاء الدین نقشبند و از مریدان نامی او بود و مؤلف کتابیست در احوال استاد و مرشد خود باسم انیس الطالبین که یکی از بهترین کتابهای طریقه نقشبندیه است .

(۲۱) **عزالدین محمود بن علی کاشانی نظنری** متوفی در ۷۳۵ وی نیز از عرفای قرن هشتم بوده و کتاب معروف عوارف المعارف تألیف شهاب الدین سهروردی را که از کتابهای مشهور تصوفست بفارسی بسیار فصیح باسم صباح الهدایه و مفتاح الکفایه ترجمه کرده است و نیز شرحی بتازی بر قصیده ثائیه ابن الفارض شاعر معروف مصری دارد بنام کشف وجوه الغر لمعانی نظم الدر .

(۲۳) **شمس الدین ابراهیم** نیز از عرفای این زمان بود و در ابرقوه از توابع یزد منصب محتسبی داشت و کتابی در تصوف با انشای فصیح شیوا باسم مجمع البحرین تألیف کرده است



( ۲۴ ) زین الدین علی بن حسین انصاری معروف بحاج زین الدین عطار از اولاد عبدالله انصاری بود و در سال ۷۳۰ در شیراز ولادت یافت و از اطبای نامی آن عصر بود و در دربار شاه شجاع آل مظفر می زیست و کتاب معروفی در مفردات طب پرداخته است با اسم اختیارات بدیعی که در سال ۷۶۷ با اسم عصمة الدین بدیع الجمال تألیف کرده و سپس در ۷۷۰ روایت دومی از آن انتشار داده است .

( ۲۵ ) عزیز بن اردشیر استرآبادی بغدادی در استرآباد متولد شده و قسمت اعظم عمر خود را در بغداد گذرانده و از منشیان زبردست زمان خود بوده و در نظم و نثر فارسی و عربی مهارت داشته است و مدتی هم در آذربایجان بوده است چنانکه در سال ۷۸۷ که نختامیش خان از راه دربند با آذربایجان آمد و تبریز را گرفت وی درین واقعه حاضر بوده و سپس در فتح تبریز بدست امیر تیمور و فرار سلطان احمد بن اویس جلایر از آنجا بی بغداد رفت و هفت سال عزلت و گوشه نشینی اختیار کرد و در همین زمان بخدمت قاضی برهان الدین ابوالفتح بن سلطان برهان الدین احمد بن محمد سیواسی پادشاه قیصریه رسیده است که از مادر از سلجوقیان روم بوده و از دست تشاندگان سلطان احمد جلایر بشمار می رفته و وی بهمین مناسبت بدربار سلطان احمد جلایر راه یافته و برهان الدین می خواست او را نزد خود ببرد و سلطان احمد نکذاشت و چون می خواست از بغداد برود سلطان احمد او را تحت الحفظ نگاه میداشت تا اینکه به حمله از آن دربار گریخت و نزد برهان الدین رفت و پس از آنکه برهان الدین در ۲۸ شوال ۸۰۰ کشته شد وی بمصر فرار کرد و مدتی در قاهره بود تا آنجا از بام افتاد و مرد . عزیز بن اردشیر مؤلف کتابیست با اسم بزم و رزم و معروف بتاریخ قاضی برهان الدین سیواسی که منشیانه نوشته است ولی بواسطه کثرت استعمال لغت عرب مغلط شده و از حد طبیعی زبان فارسی دور افتاده است .

( ۲۶ ) منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس از اطبای معروف قرن هشتم و از خاندان معروفی از پزشکان آن شهر و نواده برادر نجم الدین محمود بن الیاس سابق الذکر بود و زبان فارسی تألیفات دارد از جمله کتابیست با اسم تشریح البدن که برای میرزا ضیاء الدین بن محمد بهادر سردوم میرزا جهانگیر مقول در ۸۰۹ نوشته

و مؤلفات دیگر او تشریح منصوری و کفایت مجاهدیه یا کفایت منصور است .

( ۲۷ ) محمد بن علی الناموس خواری از منشیان معروف زمان خود بوده نخست

در خراسان در خدمت جلال الدین ابویزیدزنگی بن طاهر فریوهندی می زیسته و سپس جزو منشیان دربار الجایتو بوده است و مؤلف کتابیست در صنعت انشاء با اسم جلالیه که برای جلال الدین ابویزید نوشته است .

( ۲۸ ) منوچهر ملقب بیدیع تبریزی از شاگردان کمال خجندی شاعر معروف

این زمان بود و در ضمن بتجارت می پرداخت و در سال ۷۹۴ بایندرش برای تجارت بروم سفر کرد و پس از مرگ پدر باردیبل و از آنجا بیزد رفت و از منشیان و شاعران آن عصر بشمار میرفت . مثنوی محبت نامه موسوم بانیس العارفین راسروده است و نیز کتابی تألیف کرده با اسم الاحیاء فی حل المعما که در یزد تمام کرده است .

( ۲۹ ) امیر بن خضر مالی قرمانی مؤلفی از علمای زمانه بود که در استانبول

توقف داشت و کتابی تألیف کرده است با اسم کنز التحف در موسیقی که در سال ۷۵۶ تمام کرده و آنرا با اسم سید غیاث الدین حسینی علوی پرداخته است .

( ۳۰ ) قاضی بدر محمد دهلوی ملقب بدهاروال از ادبا و شعرای هندوستان

بوده و در دربار قدرخان دلاور خان از شاهان غوری هندوستان می زیسته است و در شعر شاگرد قاضی برهان الدین و در لغت شاگرد شیخ زاده عاشق بوده و مؤلف کتاب مشهوریست در لغت فارسی با اسم ادات الفضلاء که در ۸۲۲ تمام کرده و بنام قدرخان مزبور پرداخته است

( ۳۱ ) حسین بن محمد بن عبدالرضا حسینی علوی از منشیان قرن هشتم عراق

بوده و برای کسب معاش باصفهان رفته است و در مدارس شهر منزل داشت و روزگار را بسختی میگذراند و برای توسل بامیر محمد پسر رشید الدین فضل الله وزیر در حدود سال ۷۳۰ کتاب محاسن اصفهان تألیف مفضل بن سعد بن حسین ما فروخی را که در قرن پنجم تألیف شده بود بفارسی بسیار روان فصیح ترجمه کرده است .

( ۳۲ ) زین الدین محمود بن محمد هروی از علمای خراسان و ماوراءالنهر